

## اعلامیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران به مناسبت

### اول ماه مه روز جهانی کارگر

امسال کارگران جهان در حالی در آستانه اول ماه مه روز همبستگی طبقاتی و انترناسیونالیستی خود قرار گرفته اند که پیامد سوداندوزی نظام سرمایه داری و بحران های مزمن و بی پایان آن، کار و زندگی کارگران و اقشار فرودست جامعه را بیش از پیش به ورطه فقر و تباهی کشانده است. بحران های ویرانگر زیست محیطی و تشدید رقابت قطب های بزرگ سرمایه داری برای گسترش مناطق نفوذ، برپایی جنگ امپریالیستی روسیه و ناتو در اوکراین و دیگر جنگ های نیابتی به عنوان فرآیندهای بحران سرمایه داری تاکنون صدها میلیون نفر در دهها کشور جهان را با بحران غذایی روبرو کرده است. تداوم این بحران ها همه جا توأم با تورم و گرانی و اعمال برنامه های ریاضت اقتصادی، تعرض پی در پی به سطح زندگی و معیشت کارگران و اقشار فرودست و تضعیف ساختار بهداشت و خدمات اجتماعی بوده است. بر متن این اوضاع کارگران و توده های فرودست جامعه با اعتصابات کارگری و اعتراض های توده ای در کشورهای پیشرفته سرمایه داری مانند فرانسه، بریتانیا، آلمان، آمریکا، یونان و برخی دیگر از کشورهای اروپایی و در حال توسعه سیاست های دولت های بورژوازی حاکم را به چالش کشیده اند. خواسته های رادیکال جنبش اجتماعی کارگران و نیاز به مقابله با نیروهای سرکوبگر و اقتدارگرایی دولت های سرمایه داری، عبور از بوروکراتیسم و رفرمیسم اتحادیه های کارگری را به یک ضرورت طبقاتی و سیاسی تبدیل کرده است. برای کمونیست های جنبش کارگری در اروپا اول ماه مه امسال می تواند فرصتی جهت اعلام عزم خود برای ایجاد سازمانهای رادیکال و انقلابی کارگران با افق سوسیالیستی و پاسخ به این ضرورت ها باشد.

طبقه کارگر در ایران نیز اول ماه مه امسال روز جهانی خود را در شرایط ویژه ای برگزار می کند. اگر چه زنجیر فقر و فلاکت اقتصادی و بیکاری ساختاری و روش های پیچیده سرکوب در محیط های کار همچنان بر دست پای



## از موج نیرومند اعتصاب کارگران نفت و گاز و پتروشیمی حمایت کنیم!

اعتصاب کارگران صنایع نفت و گاز و پتروشیمی مبارزه برای افزایش دستمزدها در سال جاری را وارد فاز جدیدی می کند. این اعتراض ها و اعتصاب کارگران صنایع نفت و گاز نه فقط به دلیل دخالت و شاخ و شانه کشیدن نیروهای امنیتی و سرکوب رژیم، بلکه از آنجا که یکی از قوانین و سیاست های کلان رژیم جمهوری اسلامی در مورد تعیین دستمزدها برای مزدبگیران را به چالش کشیده است ماهیتی سیاسی دارند. این جنبش اعتراضی و اعتصابی کارگران به طور عینی جنبش انقلابی جاری برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را تقویت می کند.

## پانوم چهارم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران برگزار شد!

### در صفحات دیگر:

● **برگزاری همایش کلن در حمایت از منشور مطالبات  
حداقلی شکل های کارگری، صنفی و مدنی در ایران**

● **شکست طرح های زن ستیزانه رژیم اسلامی**

● **اعلامیه در مورد ادامه مسمومیت زنجیره ای مدارس**

**توسط جمهوری اسلامی**

## جهان امروز

### نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یک بار منتشر می‌شود!

زیر نظر هئیت تحریریه

سردبیر: هلمت احمدیان

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال کنید.

ha@cpiran.org

- \* جهان امروز تنها مطالبی که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد را چاپ می‌کند.
- \* استفاده از مطالب جهان امروز با ذکر ماخذ آزاد است.
- \* مسئولیت مطالب با امضا "جهان امروز" تحریریه نشریه است.
- \* جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می‌رسد.
- \* مطالب جهان امروز با برنامه "ورد فارسی" تایپ می‌شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه آ۴ با سایز ۱۲ است.

تماس با  
کمیته تشکیلات هلال کشور  
حزب کمونیست ایران

hvefaalin@gmail.com

تلفن، فکس و پیامگیر

009647710286193

0046760854015

004799895674

00436601195907

تماس با  
کمیته تشکیلات  
هلال کومه له (تکشا)

takesh.komalah@gmail.com

است، کارگران ایران خواست دستمزد متناسب با تأمین هزینه یک زندگی انسانی برای همه کارگران شاغل و بازنشسته، تأمین بیمه بیکاری برای همه کارگران بیکار را در صدر منشور مطالبات خود قرار میدهند. کارگران در این روز و در منشور مطالبات خود بار دیگر بر آزادی فوری و بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی، آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان و اندیشه، مطبوعات، تحزب، و ایجاد تشکل، لغو فوری صدور و اجرای مجازات اعدام، اعلام بلادرنگ برابری کامل حقوق زنان با مردان در تمامی عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و خانوادگی، امحا و لغو بی قید و شرط قوانین و سیاست‌های تبعیض آمیز علیه تعلقات و گرایش‌های جنسی و جنسیتی، جدائی دین از دولت، تأمین ایمنی کار و امنیت شغلی، الغای قوانین و هر گونه نگرش مبتنی بر تبعیض و ستم ملی و مذهبی، پایان دادن به تخریب محیط زیست، ممنوعیت کار کودکان و تأمین زندگی و آموزش و پرورش رایگان تأکید می‌کنند.

حزب کمونیست ایران همه کارگران و زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب را فرا می‌خواند که مراسم و آکسیونهای اول ماه مه روز جهانی کارگر را به هر طریقی که می‌توانند و به ویژه در خیابان و میدانی شهرها با شور و شوق برگزار کنند. حزب کمونیست ایران از همه زنان و مردان آزادیخواه که از فقر و محرومیت، از ظلم و بی عدالتی، از ستم و سرکوب و از تداوم حیات ننگین نظام سرمایه داری به تنگ آمده اند و خواهان یک زندگی آزاد و برابر و مرفه هستند می‌خواهد که در مراسم و آکسیونهای کارگران در اول ماه مه شرکت کنند.

حزب کمونیست ایران اول ماه مه این نماد همبستگی شورانگیز طبقاتی و انترناسیونالیستی، این نماد مبارزه برای سوسیالیسم را به همه کارگران تبریک می‌گوید و از جانفشانی‌ها و تلاش دلسوزانه و خستگی ناپذیر فعالین و پیشروان جنبش کارگری برای سازماندهی و متحد کردن صفوف کارگران قدردانی می‌کند.

زنده باد اول ماه مه

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

فروردین ۱۴۰۲

آوریل ۲۰۲۳



کارگران سنگینی می‌کند، اما برپایی و تداوم جنبش انقلابی جاری که با نام رمز ژینا آغاز شد و زنان در آن نقش پیشتازی ایفا کردند توزان قوای نوینی را برای پیشروی جنبش کارگری فراهم آورده است. طبقه کارگر ایران که با اعتصابات و اعتراض‌های پی در پی و شکوهمند خود در مجتمع‌های صنعتی و مراکز کار و تولید کل فضای سیاسی جامعه را تحت تأثیر قرار داده بود و زمینه‌های ذهنی برپایی جنبش انقلابی جاری را فراهم کرد، اکنون هم با غلبه بر ضعف‌های خود در زمینه سازمانیابی و رهبری می‌تواند موجبات پیشروی این جنبش انقلابی را تضمین کند. جنبش کارگری ایران طی دو دهه اخیر هزاران اعتصاب و اعتراض کوچک و بزرگ را تجربه کرده است. جنبش کارگری با تکیه بر این تجارب، با تکیه بر کاردانی نسلی از فعالین و رهبران کارگری، نسلی از کادرهای سازمانده که پرورده کرده و به صحنه مبارزه آورده، با تکیه بر تجارب آنان در تشکیل کمیته‌های اعتصاب، سازماندهی و رهبری اعتصاب، برپائی مجامع عمومی و دخالت دادن کارگران در تصمیم‌گیری‌ها می‌تواند عزم و اراده خود برای ایجاد شوراهای کارگری در مراکز کار و تولید را به عرصه عمل در آورد.

در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی در تهاجم به آزادی و زندگی زنان، در تعرض به کار و معیشت کارگران و برای فرونشاندن جنبش انقلابی جاری از هیچ جنایتی دریغ نمی‌کند و در حالی که بخش‌های مختلف اپوزیسیون بورژوازی برای جابجائی و گذار خشونت‌پرهیز از این رژیم جنایتکار نقشه می‌ریزند و به بند و بست از بالای سر مردم و به دخالت قدرت‌های امپریالیستی امید بسته‌اند، برپایی شوراهای کارگری در کارخانه‌ها و مراکز کار و تولید و سازماندهی اعتصابات سراسری بویژه در مجتمع‌های بزرگ صنعتی و کلیدی می‌تواند پیشروی جنبش انقلابی جاری را تضمین کند و بطور عینی روند گذار انقلابی از رژیم جمهوری اسلامی و تحول رادیکال و سوسیالیستی در جامعه را تقویت کند.

در روز اول ماه مه برابر با ۱۱ اردیبهشت، کارگران ایران به پشتوانه دستاوردهای مبارزات پر شور خود بویژه در یک سال گذشته بار دیگر منشور مطالبات و عزم خود برای ادامه مبارزه علیه سرمایه داران و دولت حامی آنان و برای بنیاد نهادن جامعه سوسیالیستی، جامعه‌ای عاری از ظلم و ستم و استثمار را اعلام می‌کنند. در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی با تحمیل دستمزدهای چند مرتبه زیر خط فقر زندگی و معیشت خانواده‌های کارگری را به گرو گرفته



## پلنوم چهارم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران برگزار شد!

(فروردین ۱۴۰۲ - آوریل ۲۰۲۳)

رشد اعتصابات کارگری و اعتراضات توده ای در کشورهای فرانسه، بریتانیا، آلمان، یونان و آمریکا و برخی دیگر از کشورهای اروپایی بر متن تداوم بحران سرمایه داری و موج های پی در پی تورم و گرانی و سقوط قدرت خرید کارگران و اقشار فرودست جامعه قابل توضیح است. در فرانسه طی سه ماه گذشته خیابان های پاریس و ده ها شهر دیگر به عرصه اعتراض و راهپیمایی و رویارویی با تعرض نیروهای پلیس تبدیل شده اند. در روز ۷ مارس میلیون ها تن از کارگران و دیگر شهروندان فرانسوی در یکی از مهم ترین مارش های اعتراضی علیه اصلاحات قانون بازنشستگی دولت امانوئل ماکرون، شرکت کردند. به گفته سندیکاهای کارگری تعداد شرکت کنندگان در این اعتراضات بالاترین رکورد در ۴ دهه اخیر بوده است. این موج از اعتراضات که از ماه ژانویه شروع شده همچنان ادامه دارد. کارگران و مردم فرانسه اگر چه از افزایش سن بازنشستگی خشمگین هستند اما آنها برای چیزی فراتر از این به مبارزه برخاسته اند. آنها مطالبات طبقاتی و سیاسی دارند، علیه گسترش فقر و تورم و بحران اقتصادی و رویکردهای پلیسی و اقتدارگرایانه الیگارشی حاکم فرانسه به خیابان آمده اند. دولت به نمایندگی از طبقه سرمایه دار حاکم به جنگ کارگران و اقشار فرودستی آمده که نمایندگان مجلس آنها را نمایندگی می کنند. در بریتانیا میزان تورم و گرانی و کاهش درآمد خانواده های کارگری، بازنشستگان و اقشار فرودست جامعه در چهل سال گذشته بی سابقه بوده است. بحران هزینه های زندگی موجی از اعتراضات و اعتصابات کارگری در پی داشته است. به رغم اقتدار بوروکراسی اتحادیه های رفرمیست نبردهای بزرگ در بخش های راه آهن، پست سلطنتی، در دانشگاهها و مدارس و در بخش خدمات بهداشت ملی از جانب پرستاران در جریان بوده است. محافظت از کار و معیشت کارگران در گرو تداوم مبارزه متحدانه و جمعی کارگران است. اتحادیه ها بنا به مواضع رفرمیستی که دارند ضمن سازمان دادن اعتصاباتهای موردی اما مانع توسعه جنبش اعتصابی هستند. فراتر رفتن از این محدودیت مستلزم یافتن راه های خلاقانه سوسیالیست ها برای بسیج بدنه جنبش کارگری است. در آلمان در اواخر مارس کارگران و کارکنان راه آهن، اتوبوس ها، قطارها، و فرودگاه ها با هدف افزایش دستمزدها دست

است. این بیماری همه گیر ویروسی که بر متن تشدید بحران سرمایه داری و تعرض پی در پی به سطح زندگی و معیشت کارگران و اقشار فرودست و تضییع ساختار بهداشت و خدمات اجتماعی در تمام کشورهای سرمایه داری ظهور کرد جان میلیون ها تن را گرفت و پیامد اقتصادی و اجتماعی آن هنوز هم بر کار و زندگی و معیشت کارگران و اقشار فرودست جامعه سنگینی می کند.

از سوی دیگر جنگ امپریالیستی روسیه و ناتو در اوکراین و تداوم آن نیز ریشه در همین بحران ساختاری سرمایه داری معاصر و تلاش قطب های امپریالیستی برای تقسیم مجدد جهان و گسترش مناطق نفوذ دارد. این جنگ ادامه منطقی سیاست قدرت های امپریالیستی و سرمایه داری دخیل در آن است که از مدتها پیش با هدف تخفیف بحران سرمایه داری برای گسترش مناطق نفوذ خود نقشه می ریختند. بعد از پایان جنگ سرد و فروپاشی بلوک شرق، آمریکا و دیگر دولت های عضو ناتو تلاش کردند با گسترش دامنه این پیمان نظامی به کشورهایی که قبلاً به پیمان ورشو تعلق داشتند و همچنین با دیکته کردن سیاست اقتصادی «شوک درمانی» به اقتصاد روسیه، بازگشت دوباره این قدرت رقیب را به صحنه رقابت های بین المللی غیر ممکن کنند. آمریکا و ناتو با اتخاذ این سیاست فرصت به جولان درآوردن ناسیونالیسم عظیمت طلب روسی و تهاجم به اوکراین را برای پوتین فراهم آوردند. اوکراین در جریان این جنگ ویرانگر در کمتر از یک سال به سومین وارد کننده سلاح در جهان تبدیل شده است.

بحران زیست محیطی و همه گیری بیماری ویروسی کرونا و جنگ امپریالیستی روسیه و ناتو در اوکراین و دیگر جنگ های نیابتی به عنوان فرآیندهای بحران سرمایه داری تاکنون صدها میلیون نفر در دهها کشور جهان را با ناامنی شدید غذایی روبرو کرده است. جنگ در اوکراین به توجه با جایگاهی که این دو کشور در تولید و صادرات غلات، دانه های روغنی، کود و بویژه جایگاه روسیه در صادرات نفت و گاز دارد، افزایش قیمت مواد غذایی و انرژی را به دنبال داشته و بحران هزینه زندگی را در سراسر جهان تشدید کرده است.

پلنوم چهارم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران منتخب کنگره سیزدهم در روزهای شنبه و یکشنبه ۱۲ و ۱۳ فروردین ۱۴۰۲ برابر با ۱ و ۲ ماه آوریل ۲۰۲۳ برگزار شد. پلنوم با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت برای گرامیداشت یاد رفیق عیسی جمشیدی و جانبختگان راه آزادی و سوسیالیسم کار خود را آغاز و بعد از دو روز جلسات فشرده به کار خود پایان داد. در این پلنوم اعضای کمیته مرکزی کومه له منتخب کنگره هیجدهم و کمیته تشکیلات خارج حزب نیز به عنوان ناظر شرکت داشتند. گزارش سیاسی کمیته اجرائی، گزارش فعالیت کمیته ها و ارگانهای مختلف تشکیلاتی، و آرایش و تقسیم کار درون کمیته مرکزی حزب از دستور جلسات این پلنوم بودند. مباحث نشست وسیع کمیته مرکزی پیرامون گزارش سیاسی کمیته اجرائی سرفصل های زیر را در بر می گرفت.

### نگاهی به اوضاع جهان

نظام سرمایه داری جهانی همچنان در بحران بسر می برد، این امر را رسانه های بورژوازی هم پذیرفته اند. در واقع، از زمان آغاز بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ که با ورشکستگی بانک ها و آشفتگی بازارهای مالی بروز پیدا کرد، جهان سرمایه داری در یک سلسله بحران های مزمن و به بی پایان گرفتار شده است. این اوضاع بحرانی در اساس ریشه در کاهش طولانی مدت نرخ سود در اقتصادهای بزرگ سرمایه داری پیشرفته در طول دهه های پس از جنگ جهانی دوم دارد که بعد از تخفیف بحران نیز نرخ سود هرگز به میزان قبل از آن نرسید. این اقتصادها از اوایل دهه ۱۹۸۰ و با تسلط سیاست های نئولیبرالی در یک دوره سودآوری با نرخ پایین گرفتار آمده اند که پیامد آن در تشدید نابرابری طبقاتی، انباشت ناپایدار و سیستم های مالی متورم و شکننده انعکاس یافته است.

منطق بی امان نظام سرمایه داری در سودآوری که دگرگونی و تخریب سیستم حیات طبیعت و جانداران و بحران زیست محیطی را در پی داشته از عواملاصلی ظهور بیماری های همه گیر ویروسی جدید از جمله کوید ۱۹ بوده

به اعتصاب زدند. سندیکای متحد کارکنان بخش خدمات آل برای دو و نیم میلیون نفر از شاغلان این بخش، خواهان ده و نیم درصد افزایش دستمزد شده است. در آمریکا اتحادیه بین‌المللی کارگران بخش خدمات و معلمان ایالت‌های غربی این کشور از جمله در ایالت لس آنجلس با انجام یک راهپیمایی سه روزه خواهان افزایش حقوق و دستمزدها در سال جاری شدند. در این راهپیمایی، معلمان، دانش آموزان معترض به وضعیت آموزش گران و بی کیفیت، باغبانان، پاکبانان و خدمه شهرداری، رانندگان اتوبوس، کارگران کافه و رستوران‌ها و دستیاران آموزش ویژه شرکت کردند.

اما همزمان با رشد اعتصابات کارگری و اعتراضات توده‌ای علیه موج تورم و گرانی و حضور گرایش چپ و رادیکال در این جنبش‌های اعتراضی، جریان‌های راست افراطی نیز تقویت شده‌اند. رشد ترامپس در آمریکا، نارندرا مودی در هند، مارین لوپن فاشیست در فرانسه، حزب دموکرات‌های سوئد که ریشه در سنت فاشیستی دارد، حزب دست راستی برادران ایتالیا که رهبری ائتلاف حکومتی را در دست دارد فقط نمونه‌هایی از تحرک جریان راست افراطی هستند. بر بستر تداوم بحران کنونی کمونیست‌ها و سوسیالیست‌های انقلابی راهی جز حضور فعال در این جنبش‌ها و کمک به امر پرورش و سازمان دادن و رهبری آن ندارند. جنبش سوسیالیستی با تکیه بر این جنبش‌های رادیکال اجتماعی می‌تواند دولت‌های سرمایه‌داری و جریانات راست را در خارج از دولت به چالش بکشد.

یکی از پیامدهای تداوم بحران سرمایه‌داری و جنگ امپریالیستی در اوکراین تسریع روند تثبیت چند قطبی شدن جهان بوده است. سیاست جهانی و مناسبات بین‌المللی با افول قدرت اقتصادی آمریکا و تضعیف هژمونی آن در دوره پایان جنگ سرد و تلاش برای جبران هژمونی از دست رفته از طریق میلیتاریسم و نظامی‌گری جهان را با یک دروه بی‌ثباتی و پر تنش روبرو کرده است. از آنجا که همه پیش‌بینی‌ها حکایت از آن دارد که چین در ده سال آینده از آمریکا پیشی گرفته و به بزرگترین اقتصاد جهان بدل می‌شود، آمریکا و دیگر اعضای پیمان ناتو بر آن هستند که با افزایش بودجه‌های نظامی و فعال کردن دوباره پیمان‌های نظامی در هر شرایط برتری نظامی خود را بر چین حفظ کنند. این به معنای آن است که جهان وارد دوره تازه‌ای از مسابقه تسلیحاتی

قدرت‌های بزرگ سرمایه‌داری می‌شود. افزایش عظیم بودجه ارتش آمریکا و دیگر ارتش‌های ناتو و تلاش برای کشاندن سوئد و فنلاند به عضویت در این پیمان نظامی در همین رابطه قابل توضیح است. نخست وزیر چین در آخرین سفرش به مسکو آشکار از سازماندهی جهان چند قطبی سخن به میان آورد.

### موقعیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی

مداخله‌گری‌های رژیم جمهوری اسلامی در کانون‌های بحران خاورمیانه و همچنین برنامه‌های اتمی و بزرگنمایی در مورد آن به منظور کسب موقعیت برتر در دوره‌ی ضعف رهبری آمریکا و تجدید آرایش امپریالیستی منطقه، هم به عنوان ارکان یک استراتژی "تعرض بازدارنده" و هم به عنوان راهی برای تضمین بقا و برون رفت از بن بست اقتصادی، با شکست روبرو شده است. با بن بست این استراتژی، افق برون رفت از بحران اقتصادی برای رژیم جمهوری اسلامی بیش از هر زمان دیگری تیره و تار شده است. این بحران‌ها و ناکامی‌ها بر متن تداوم بحران جهانی سرمایه‌داری، بحران در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی رژیم و تشدید تحریم‌ها و نیز پیامدهای فاجعه‌بار شیوع گسترده ویروس کرونا، و فساد نهادینه شده، اقتصاد بحران زده ایران را در معرض فروپاشی قرار داده است.

تأثیرات و تبعات تشدید و گسترش بحران اقتصادی جهان سرمایه‌داری در منطقه خاورمیانه بیش از سایر نقاط بوده است. رقابت قدرت‌های امپریالیستی برای گسترش مناطق نفوذ با توجه به اهمیت ژئوپولیتیک این منطقه نفت خیز، پای چین را با شعار "خاورمیانه باید مال مردم خاورمیانه باشد" به این منطقه باز کرده است. رقابت قدرت‌های امپریالیستی و منطقه‌ای بویژه در دو دهه اخیر اوضاع معیشتی و امنیتی کارگران و توده‌های وسیع گرسنگان و تهیدستان در کشورهای منطقه را بحرانی‌تر کرده است. چین با تکیه بر گسترش مناسبات اقتصادی وارد فاز جدیدی از این رقابت‌ها شده است. در سه سال گذشته خصوصاً کشورهای ثروتمند شورای همکاری خلیج از اولویت‌های سرمایه‌گذاری چین بوده‌اند. به دنبال سفر رئیس‌جمهور چین به عربستان سعودی در ماه دسامبر و امضای قراردادهای کلان اقتصادی، فشار چین بر رژیم جمهوری اسلامی برای عادی‌سازی روابط با عربستان و دیگر دولت‌های منطقه به عنوان بخشی از ملزومات پیشبرد پروژه‌های سرمایه‌گذاری

بیشتر شده است. جمهوری اسلامی نیز با توجه به موقعیت ضعیفی که به ویژه زیر ضربات جنبش انقلابی جاری در هفت ماه گذشته در داخل با آن روبرو بوده، تحت عنوان "سیاست راهبردی دیپلماسی همسایه"، مجبور به قبول شروط چین و عقب‌نشینی از مواضع تا کنونی در زمینه مداخله‌گری در کشورهای منطقه شده است. اینکه رژیم جمهوری اسلامی نه تنها با عربستان بلکه تمایل نشان داده حتی با بحرین و مصر نیز به عادی‌سازی روابط بپردازد و برای تداوم آتش بس در یمن به عنوان بخشی از ملزومات امنیتی سرمایه‌گذارهای چین و آمریکا و دیگر قدرت‌های سرمایه‌داری نیز تلاش کند، بازتاب موقعیت ضعیفی است که این رژیم در سطح منطقه پیدا کرده است.

از سوی دیگر مصر و عربستان در چند ماه گذشته برای بازگرداندن بشار اسد به جمع کشورهای اتحادیه عرب به تلاش افتاده‌اند. سفر اخیر اسد به امارات و دادن وعده و وعید به او برای کمک به بازسازی ویرانه‌های جنگ در سوریه، را نیز باید در راستای همین سیاست و فاصله گرفتن از جمهوری اسلامی به حساب آورد. اقدامات آمریکا در دو ماه گذشته در اعمال فشار بر دولت عراق و تحریم و جریمه بیش از ده بانک عراقی و راه انداختن ساز و کارهای کنترل و جلوگیری از دسترسی جمهوری اسلامی به دلارهای عراقی که موجب بحران قیمت تومان در برابر دلار شد نیز با هدف کوتاه کردن بیشتر دست جمهوری اسلامی از دخالت در این کشور بوده است. عقب‌نشینی جمهوری اسلامی در این زمینه‌ها به معنای شکست یکی از پایه‌های اصلی استراتژی بقای رژیم یعنی مداخله‌گری در کانون‌های بحرانی منطقه می‌باشد.

### روند اوضاع عمومی در ایران

هفت ماه از آغاز طغیان خشم و اعتراض زنان و مردان آزادیخواه ایران علیه فشار ناشی از فقر و فلاکت اقتصادی، بی‌حقوقی‌های سیاسی و اجتماعی، و بویژه تبعیض جنسیتی علیه زنان که قتل دولتی ژینا جرقه آن را زد می‌گذرد. یک تصویر عینی از روند اوضاع سیاسی ایران، به ما نشان می‌دهد که جنبش انقلابی جاری اگر چه از اعتراض‌ها و جنگ و گریزهای خیابانی هر روزه و پر تلفات سه ماهه اول فاصله گرفته است، اما به اشکال مختلف ادامه دارد و استمرار خود را در شکل برآمد جنبش مطالباتی کارگران، معلمان و بازنشستگان و رادیکالیزه شدن و سیاسی‌تر شدن



هر چه بیشتر مطالبات آنها و اعتراض های توده ای متناوب در شهرهای مختلف ایران حفظ کرده است. مراسم چهارشنبه سوری در محلات بیش از یک صد شهر و کلان شهر ایران که توأم با برپائی تجمع های اعتراضی و فریاد شعارهای کوبنده علیه سران رژیم و مقابله و رویارویی با یورش نیروهای سرکوبگر بود، بار دیگر نشان داد که این جنبش نه فقط سر بازاریستادان ندارد، بلکه همچنان پتانسیل حضور در خیابان به عنوان یکی از سنگرهای مبارزه و مقابله با نیروهای دشمن را حفظ کرده است. از اینرو ده ها نفر کشته، صدها نفر زخمی و دستگیری هزاران نفر در چهارشنبه سوری مانع آن نشد که این اعتراضات در روزهای بعد هم ادامه یابند. حفظ ظرفیت اعتلایی این جنبش ناشی از این واقعیت است که رژیم جمهوری اسلامی فقط با تکیه بر گسترش دامنه سرکوب توانسته تا حدی از دامنه اعتراضات خیابانی بکاهد و گرنه قادر به بهبود ولو جزئی در وضعیت معیشتی و هیچ عرصه ای از زندگی مردم نیست. این درماندگی در حالی که ترس توده ها فرو ریخته و دستگاه ایدئولوژیک رژیم هم توان مشروعیت بخشیدن به این اوضاع را از دست داده، امکان فوران آتش خشم و اعتراض مردم را زنده نگاه داشته است.

حفظ این ظرفیت ها و تداوم جنبش انقلابی بیانگر آن است که سرکوب های گسترده در سراسر ایران و کشتار در سیستان و بلوچستان و کردستان و حملات شیمیایی به مدارس دخترانه نه فقط توده مردم را مرعوب نکرده، بلکه نیروی همبستگی در میان مردم را تقویت کرده است. در کارخانه، در دانشگاه، در مدرسه و در محلات شهرها همه جا ترس از سرکوب جای خود را به مقاومت و مبارزه و تعرض متقابل علیه نیروهای سرکوبگر و کل دستگاه حاکم داده است. اگر تشدید و گسترده سرکوب نتوانسته توده های به پا خاسته مردم را مرعوب کند، اما تداوم جنبش انقلابی قادر شده انسجام صفوف نیروهای حکومتی را که با یکدست کردن مراکز سه گانه قدرت در آخرین نمایش های انتخاباتی و نقل و انتقال ها در قوه قضائیه بدست آمده بود را در هم کوبد. سندی که اخیرا از نشست فرماندهان سپاه پاسداران و نیروهای امنیتی با خامنه ای انتشار یافته تا حدودی درماندگی و آغاز روند فروپاشی نیروهای سرکوبگر رژیم را نشان می دهد. فرماندهان سپاه آشکارا از ریزش نیروهای وفادار حکومتی سخن می گویند. "فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا از خنثی شدن طرح

حمله توپخانه ای توسط افرادی از توپخانه سپاه به چند نقطه حساس حکومت در پایتخت از جمله به بیت خامنه ای خبر میدهد. فرمانده سپاه قدس اعتراف میکند که نیروهای سپاه قدس به اسرائیل اطلاعات می فروشند و به همین دلیل اسرائیل از نقشه های ما از قبل خبر دارد و مدام ضربه میخوردیم. از استعفا و کنار کشیدن هزاران نفر از نیروها سخن میگویند و --" مفاد این نوع اسناد و سیر عینی وقایع بیانگر این واقعیت است که اگر جمهوری اسلامی در رویارویی با جنبش انقلابی جاری به سرکوب و کشتار در ابعاد خیزش آبان ۹۸ روی نیابد و به آزادی گزینشی بخشی از دستگیر شدگان تن داد، این نه از روی نقشه ای آگاهانه، بلکه از سر ضعف و ناتوانی و نگرانی سران رژیم از گسترش ریزش در صفوف نیروهای سرکوبگر بوده است. این فاکتور هم دال بر تغییر توازن قوا به سود جنبش های پیشرو اجتماعی است.

آنچه روشن است تداوم جنبش انقلابی جاری و شجاعت و از خود گذشتی زنان و مردان جوان در مبارزه برای به زیر کشیدن کلیت رژیم و در مقابله با نیروهای سرکوبگر انسجام صفوف نیروهای رژیم را متزلزل کرده و آن را با بحران حکومتی روبرو کرده است. تداوم فشار جنبش انقلابی جاری، خطر فروپاشی اقتصادی و انزوای رژیم جمهوری اسلامی در سطح جهانی و منطقه ای و تشدید نزاع و کشمکش در میان سران حکومتی توازن قوا را عمیقا به سود صف مبارزه توده ها، جنبش کارگری و دیگر جنبش های پیشرو اجتماعی تغییر داده است. با این وصف اگر انقلاب جاری هنوز نتوانسته بر ضعف های خود غلبه کند، هنوز توده های عاصی از این اوضاع در ابعاد میلیونی به میدان این مبارزه نیامده اند، اعتصابات کارگری هنوز مراکز صنعتی کلیدی را در بر نگرفته و سراسری نشده اند، روند سازمانیابی از پایین به مرحله ای نرسیده که دستاوردهای تاکنونی را تثبیت کند، اما توازن قوای فعلی بستری مناسب برای غلبه بر این ضعف ها را فراهم آورده است.

### جایگاه انتشار منشور مطالباتی

در چنین شرایطی انتشار منشور مطالبات حداقلی از جانب تشکل های مستقل صنفی و مدنی گامی بود در راستای پاسخگویی به بخشی از نیازهای این دوره و غلبه بر ضعف هایی که جنبش انقلابی جاری با آن روبرو است.

اما انتشار منشور مطالبات حداقلی این تشکل ها

مانند اقدامی ابتدا به ساکن و بدون زمینه های قبلی نبود. اگر همه به وجود یک چپ نیرومند اجتماعی و حضور آن در همه جنبش های پیشرو اجتماعی و اعتراضی و جنبش انقلابی جاری واقف هستیم، تدوین کنندگان منشور در واقع بخشی از فعالین و رهبران و نهادهای همین چپ اجتماعی هستند که پا جلو گذاشته و این منشور را تدوین و انتشار دادند. به رغم هر انتقادی که به مضمون و پروسه تدوین منشور مطالبات حداقلی وجود داشته باشد، این منشور خواسته و مطالبات محوری جنبش های پیشرو اجتماعی، جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجویی و جوانان، اقلیت های تحت ستم، جنبش محیط زیست که در یک قرن گذشته بی پاسخ مانده اند را بیان کرده و زمینه مناسب تری برای پیوند این جنبش ها فراهم آورده است. همانطور که در مقدمه این منشور هم اشاره شده است، تحقق این مطالبات تحت ساختار و روبنای سیاسی حاکم قابل تحقق نیستند، در این تردیدی نیست که تحقق مطالبات دوازده گانه منشور بدون سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی و تعرض به سرمایه داری ممکن نیست. این منشور با به هم مرتبط کردن فعالین عرصه های مختلف تلاشی در راستای شکل گیری رهبری سراسری و پاسخی کوبنده به بخشهای مختلف اپوزیسیون بورژوازی ایران است که می خواهند از بالای سر مردم و با کمک قدرتهای امپریالیستی پروژه های آلترناتیو سازی خود را پیش ببرند.

نظر به جایگاه عینی-ای که انتشار این منشور مطالباتی در اوضاع سیاسی کنونی ایران پیدا کرده است، همه سوسیالیست ها و انسانهای آزادیخواه و برابری طلب را فرا می خواند که به هر شکلی که می توانند از این منشور حمایت کنند. اما این منشور به رغم جایگاهی که به لحاظ عینی پیدا کرده است، هنوز محصول کار و تلاش فقط بخشی از رهبری آن نیروی چپ اجتماعی موجود در صحنه سیاسی ایران است. بنابر این نباید فراموش کنیم که جبهه اصلی تقویت این منشور در داخل ایران قرار دارد. این منشور در داخل ایران باید فراگیر تر شود. برای فراگیر کردن آن باید این روحیه را تقویت کنیم که تدوین کنندگان منشور به استقبال انتقادات دلسوزانه و مسئولانه آن بخش از فعالین جنبش های اجتماعی بروند که هنوز پای منشور را امضا نکرده اند. برای مثال باید از انتقادات سندیکای شرکت واحد و گروه اتحاد بازنشستگان و استقبال کرد، موانع سر راه فعالین و رهبران شرکت هفت تپه

برای امضای منشور را برطرف کرد و



هر چه بیشتر برای توده گیرتر کردن این منشور تلاش کرد.

یکی دیگر از جبهه های حمایت از این منشور خارج از کشور است، بویژه آنکه اپوزیسیون راست در این جبهه سازمان یافته تر عمل می کنند. حزب کمونیست ایران از همان روز اول طی اعلامیه ای از این منشور مطالباتی حمایت کرد و بر ضرورت حمایت همه نیروهای موجود در جنبش چپ و کمونیستی از این منشور تأکید کرد. نیروهای کمونیست و چپ در طی یک ماهی که گذشت با صدور اعلامیه و اطلاعیه های مختلف در حمایت از این منشور، با انجام مصاحبه ها و میزگردهای متعدد تلویزیونی، با برگزاری ده ها سخنرانی و پانل در کلاب هاوس نقش خود را در این زمینه ایفا کردند. همچنین تلاشهای ارزشمندی از جانب همین طیف از رفقا در انگلستان، در فرانسه، سوئد و برخی دیگر از کشورها برای جلب حمایت اتحادیه ها و نهادهای کارگری از این منشور مطالباتی انجام گرفت. تدارک و سازماندهی همایش کلن در حمایت از منشور مطالباتی از جانب احزاب و سازمان ها و چهره های مستقل چپ و کمونیست و از جمله حزب کمونیست ایران و کومه له سازمان کردستان این حزب گامی مهم در ادامه همین تلاش های تاکتونی است.

## تحرك و همگرایی نیروهای اپوزیسیون بورژوازی

در دوره سه، چهار ماهه گذشته تحت تأثیر تحولات سیاسی جاری در ایران شاهد همگرایی بیشتری در صفوف نیروهای اپوزیسیون بورژوازی ایران بودیم. در این دوره «شورای مدیریت گذار» و «شورای ملی تصمیم» طی اطلاعیه مشترک اعلام کردند: «نظر به مشابهت در شیوه سازمانگری و نیز آماج سیاسی مشترک، بر آن شدند تا گامهایی عملی و اجرایی در راستای گسترش همکاری ها، پیشبرد پروژه های سیاسی مشترک و نیز تعمیق مناسبات با چشم انداز یگانگی بردارند». آنان آماج مشترک خود را «حفظ حاکمیت ملی و یکپارچگی سرزمینی ایران، پذیرش دموکراسی پارلمانی مبتنی بر جدایی دین از دولت، پذیرش اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون های ضمیمه آن، باور قطعی به ضرورت گذر از کلیت نظام اسلامی و تلاش برای رفع هر گونه تبعیض» اعلام کردند. این دو بخش از اپوزیسیون بورژوازی دست به دست هم داده و تحت عنوان «همفکری و

راهیابی برای پاسخگویی به نیازها و وظایف سیاسی و راهبردی که انقلاب جاری» به نام انقلاب اما برای به شکست کشاندن انقلاب نسخه خود را پیچیده اند. در اقدامی دیگر پنج حزب و سازمان جمهوری خواه: «اتحاد جمهوری خواهان ایران»، «جبهه ملی ایران - اروپا»، «حزب چپ ایران (فدائیان خلق)»، «سازمان های جبهه ملی ایران در خارج از کشور» و «همبستگی جمهوری خواهان ایران» در ادامه همکاری های تاکتونی تحت تأثیر تحولات داخل ایران مناسبات خود را ارتقا بخشیده و وارد روند ائتلاف شدند. این ائتلاف از اپوزیسیون نیروهای بورژوازی هم استراتژی سیاسی خود را گذار خشونت پرهیز از جمهوری اسلامی به یک جمهوری سکولار و دموکرات، دگرگونی ساختار قدرت سیاسی، جدائی دین و دولت و استقلال نهادی آنها از یکدیگر، ایجاد ساختاری متکی بر انتخاب آزادانه تعریف کرده اند. ائتلاف رضا پهلوی و هم پیمانانش که همایش دانشگاه جرج تاون واشنگتن در دهم فوریه کلید آن را زد یک ماه بعد از همایش، منشور خود را تحت عنوان «منشور همبستگی و سازماندهی برای آزادی» و با نام اختصاری مهسا با تأکید بر حفظ یکپارچگی سرزمینی ایران انتشار دادند.

در مقطع کنونی دولت های آمریکا، کانادا و دولت های اروپایی که در پیمان ناتو گرد آمده اند ائتلاف شش نفره به رهبری رضا پهلوی را به جلو رانده اند. این قدرتهای امپریالیستی همچنانکه بارها و بارها اعلام کرده اند سرنگونی جمهوری اسلامی در دستور کار ندارند، چون پیامد پیشروی جنبش انقلابی در ایران و سرنگونی جمهوری اسلامی بر منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا برایشان قابل پیش بینی نیست. از این رو دولت آمریکا و دولت های اروپایی با جلو صحنه راندن رضا پهلوی و هم پیمانانش و جنجال آفرینی تبلیغاتی حول همایش دانشگاه جورج تاون واشنگتن، دعوت از وی از جانب پارلمانهای کشورهای اروپایی و برخی همایش های بین المللی و با هیاهو حول منشور شاهزاده به کمک رسانه های امپریالیستی در واقع با یک تیر دو هدف را نشانه گرفته اند. هدف اول اعمال این فشارهای کنترل شده دیپلماتیک و سیاسی توأم با تداوم تحریم های اقتصادی، امتیاز گرفتن از جمهوری اسلامی در منازعه هسته ای، منع تولید موشک های بالستیک دوربرد، پایان دادن به مداخله گری های نظامی در منطقه و دست کشیدن از حمایت روسیه در جنگ اوکراین و در یک کلام رام کردن رژیم اسلامی است. هدف دوم

آمریکا از به جلو صحنه راندن رضا پهلوی و هم پیمانانش برای انتشار منشور و آترناتیو سازی از بالای سر مردم به بیراهه بردن و به شکست کشاندن جنبش انقلابی توده های مردم ایران است. دولت های آمریکا و اروپا بیش از آنکه نگران ماندگاری رژیم جمهوری اسلامی و سرکشی های آن باشند، نگران پیشروی و پیروزی جنبش انقلابی توده های مردم ایران و پیامدهای پیش بینی نشده آن بر جغرافیای سیاسی خاورمیانه هستند.

دو پایه اصلی استراتژی همه اپوزیسیون های بورژوازی حفظ ارتش و سپاه پاسداران و دستگاه عریض و طویل بوروکراسی دولتی و حفظ مناسبات سرمایه داری است. پاشنه آشیل ائتلاف ها و بخش های مختلف اپوزیسیون بورژوازی ایران برنامه های اقتصادی آنان است. این نیروها روشن نمی کنند که چگونه با حفظ مناسبات سرمایه داری و پیروی از الگوی بازار آزاد و برنامه های نئولیبرالی با مدیریت غیر اسلامی می خواهند توسعه پایدار اقتصادی را تضمین کنند و عدالت اجتماعی، برنامه های رفاهی و برابری زن و مرد را برای مردم ایران به ارمغان بیاورند و به فاجعه بیکاری پایان دهند. اکنون به رغم دخالت های معین و کنترل شده دولت ها در اقتصاد در همه کشورهای سرمایه داری از الگوی اقتصاد بازار آزاد و سیاست های نئولیبرالی برای توسعه اقتصادی پیروی می شود و پیروی از این الگو همه جا با پایین آوردن هزینه دولت ها زدن از برنامه های رفاهی و در یک کلام با اجرای برنامه های ریاضت اقتصادی توأم بوده است. زمانی که در پلاتفرم این نیروها ذکر از تغییر مناسبات اقتصادی و الگوی توسعه اقتصادی به میان نمی آید، باید فرض بر این باشد که این نیروها همانطور که الگوی دموکراسی پارلمانی را از کشورهای پیشرفته سرمایه داری پذیرفته اند در زمینه اقتصادی هم از زاویه منافع طبقه سرمایه دار و به طور مشخص از همان مدل اقتصاد بازار آزاد و سیاستهای نئولیبرالی رایج در کشورهای سرمایه داری پیروی می کنند. از این رو تمام وعده های آنها در مورد عدالت اجتماعی و برنامه های رفاه اجتماعی و برابری زن و مرد و --- پا در هوا می ماند و این از برجسته ترین تناقض پلاتفرم جمهوری خواهان و دیگر بخش های اپوزیسیون بورژوازی ایران است. این نیروها باید پاسخ بدهند که بدون تعرض به مناسبات سرمایه داری هزینه های اقتصادی برقراری عدالت اجتماعی و برنامه های رفاه اجتماعی از کجا تأمین می گردد؟



## تحرز یابی فعالین و پیشروان کارگری، پیش شرط کسب هژمونی طبقه کارگر

جامعه ایران در موقعیت انقلابی قرار گرفته است. این موقعیت از این روی برای کمونیست ها اهمیت دارد که پرونده تسخیر قدرت سیاسی را به روی طبقه کارگر هم باز می کند. با این وصف روشن است که قرار گرفتن در موقعیت انقلابی به خودی خود، وقوع انقلاب و پیروزی طبقه کارگر در تصرف قدرت سیاسی را تضمین نمی کند. برای وقوع انقلابی که نظام جمهوری اسلامی را به شیوه انقلابی به زیر بکشد، طبقه کارگر به قدرت سیاسی برسد و تحول در بنیادهای مناسبات سرمایه داری را در دستور کار خود قرار دهد، علاوه بر تغییرات و زمینه های عینی و اجتماعی لازم است طبقه کارگر انقلابی یعنی لوکوموتیو اصلی انقلاب به میزان کافی سازمان یافته، آگاه و نیرومند باشد تا بتواند رسالت تاریخی خود را به انجام برساند. طبقه کارگر بدون سازمانیابی در تشکل های طبقاتی و توده ای از نوع شوراها و حزب سیاسی کمونیستی خود نمی تواند ظرفیت های خود را برای ایجاد این تحولات انقلابی به کار گیرد. در همین رابطه در شرایط کنونی تحرز یابی کارگران اهمیت حیاتی پیدا کرده است.

ضرورت تحرز یابی کارگران از ضرورت آگاهی و تشکل یابی طبقه کارگر برای سازماندهی انقلاب اجتماعی و از نیاز به جهش تاریخی به سوسیالیسم نتیجه می شود. از آنجا که طبقه سرمایه دار چه آن بخش که در قدرت سیاسی هستند و آینده خود را به رژیم اسلامی گره زده اند و چه آن بخشی که در اپوزیسیون هستند به پشتوانه منابع مادی که در اختیار دارند ایدئولوژی، سیاست و فرهنگ خود را برای به شکست کشاندن جنبش انقلابی توده ها به افکار عمومی القا می کنند، طبقه کارگر بدون حزب کمونیستی و انقلابی خودش نمی تواند به مقابله با این اوضاع برخیزد. همین واقعیت طبقاتی ساده است که تحرز یابی کمونیستی را برای نسل جوان فعالین و پیشروان جنبش کارگری به یک ضرورت سیاسی تبدیل کرده است. چون طبقه کارگر از طریق حزب طبقاتی اش می تواند مسیر پیشروی انقلاب را تعیین کند، به نیازهای هر مقطع از پیشروی آن پاسخ دهد و برای تضمین پیروزی آن تلاش کند.

علاوه بر ضرورت های سیاسی و طبقاتی که بدان اشاره رفت، فاکتور عینی دیگری که تحرز یابی کمونیستی طبقه کارگر را ضروری و ممکن می سازد، وجود طیف نسبتاً وسیعی از فعالین و پیشروان سوسیالیست در جنبش

کارگری ایران است که در تشکل ها، نهادها و محافل مختلفی فعالیت می کنند. این طیف از فعالین کارگری در جریان مبارزه به آگاهی طبقاتی و سوسیالیستی دست یافته و بسیاری از آنها ارتباط زنده و ارگانیک با توده کارگران دارند. این طیف از فعالین کارگری علیرغم گستردگی شان پراکنده هستند و هنوز به شیوه محفلی و ماقبل حزبی فعالیت های خود را پیش می برند و همین پراکندگی از پتانسیل و ظرفیت های موجود آنها در زمینه تبلیغ و ترویج سوسیالیستی، پرورش کادرهای جوان جنبش کارگری، ایجاد شبکه های به هم مرتبط برای دخالت در مبارزات جاری، تلاش هماهنگ برای سازمانیابی کارگران و به میزان چشمگیری کاسته است. این بخش از فعالین کارگری با متشکل شدن در حزب کمونیستی است که قادر خواهند شد از طریق فعالیت آگاهگرانه و نقش مند در میان کارگران و در پرتو ارزیابی ها و تحلیل های روشن سیاسی از شرایط مبارزه به ایفای نقش رهبری و هژمونیک طبقه کارگر در دل جنبش انقلابی جاری کمک کنند.

به رغم پیچیدگی هایی که تحرز یابی این بخش از فعالین کارگری دارد، پرداختن به این امر باید یکی از مهمترین اولویت های حزب باشد. از این رو بار دیگر بر این امر تأکید می شود، که تلاش در راه پاسخگویی به نیازهای جنبش جاری واقعی، ما را از این امر مهم غافل نکند.

### نتیجه گیری:

تلاش برای هر چه بیشتر گستراندن افق و چشم انداز روشن به روی جنبش انقلابی جاری همچنان یکی از اولویت های فعالیت ما است. بنابراین باید افق سوسیالیستی، افق حکومت شورایی را در برابر این جنبش قرار داد. باید سعی کرد شعارهایی از نوع "آزادی، برابری، اداره شورایی" که از جانب خود توده ها در این جنبش انقلابی طرح شده اند را با کمین های سیاسی - تبلیغی هر چه توده ای تر کرد. باید تبیین خودمان را از این شعارها به میان توده ها ببریم. از همین زاویه باید پیگیرانه و بطور تعطیل ناپذیر مواضع و استراتژی سیاسی بخش های مختلف اپوزیسیون بورژوازی ایران برای به شکست کشاندن این جنبش را برای مردم روشن کرد.

یکی دیگر از ملزومات و نیازهای جنبش انقلابی جاری تلاش برای هر چه توده ای تر کردن جنبش انقلابی جاری است. باید به رفع موانع ذهنی توده های مردم جهت پیوستن به جنبش جاری کمک کنیم.

کمک به ایجاد کمیته ها و شوراها کارگران در مراکز تولیدی و ایجاد کمیته ها و شوراها

محلات و تشکل یابی توده ای زنان و دانش آموزان و گامی اساسی در راستای پیشروی و تثبیت دستاوردهای تاکتونی است، بنابراین تلاش در این راستا و فعالیت های پروژه ای در این زمینه ها از اولویت کار کمیته تشکیلات شهرها در داخل می باشد.

اگر چه انتشار منشور مطالبات حداقلی گامی بود در راستای شکل دادن به رهبری سراسری اما کماکان باید برای فراگیرتر کردن آن در داخل ایران و نهادینه کردن پیوندهای فعالین و رهبران جنبش های پیشرو اجتماعی در ایران تلاش کرد.

تقویت شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست و تلاش برای قرار گرفتن آن در موقعیت پاسخ گویی به نیازهای عملی جنبش کارگری و جنبش انقلابی جاری اهمیت حیاتی دارد، بنابراین در حد مقدرات خود باید به این امر یاری رسانیم.

تلاش در جهت تحرز یابی کارگران همچنان باید از اولویت های کار و فعالیت حزب باشد.

نشست کمیته مرکزی حزب بعد از بحث حول گزارش سیاسی کمیته اجرائی به پلنوم و بحث حول همایش کلن در حمایت از منشور مطالبات حداقلی تشکلهای صنفی و مدنی، گزارش عملکرد ارگانهای مختلف حزب، کمیته تشکیلات شهرها، شورای تلویزیون حزب کمونیست ایران و کومه له، کمیته اداره سایت ها و شبکه های اجتماعی حزب، نشریه جهان امروز، کمیته روابط بین المللی، کمیسیون مالی، کمیسیون آموزش، کومه له (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران) و کمیته اجرائی حزب را استماع و مورد نقد و بررسی قرار داد. پلنوم کمیته مرکزی در ادامه ارگانهای مختلف فعالیت حزب را تقویت و تجدید سازمان کرد.

پلنوم چهارم کمیته مرکزی منتخب کنگره سیزدهم حزب در بخش پایانی کار خود، به منظور هدایت فعالیت های سیاسی و تشکیلاتی حزب در فاصله دو پلنوم، از میان اعضای کمیته مرکزی حزب که در لیست کاندیداها قرار گرفته بودند، یازده نفر از رفقا: هلمت احمدیان، روژین امینی، رئوف پرستار، نصرت تیمورزاده، شمس خرمی، حسن شمسی، رحیم عزیزپور، آرام فرج الهی، صلاح مازوجی، صدیقه محمدی و شورش مولانی را به عنوان اعضای کمیته اجرائی حزب انتخاب نمود.

### کمیته اجرائی حزب کمونیست ایران

فروردین ۱۴۰۲

آوریل ۲۰۲۳



## از موج نیرومند اعتصاب کارگران نفت و گاز و پتروشیمی حمایت کنیم!

است، از موانع اصلی سر راه برپایی اعتصابات کارگری هستند. اعتصاب گسترده و دامنه دار کارگران صنایع نفت و گاز نشان از این حقیقت امید بخش دارد که جنبش کارگری ایران با تکیه بر جانفشانی، آگاهی و کاردانی فعالین و رهبران خود که در دل مبارزات کارگری پرورده شده اند و با تکیه بر تجارب مبارزات تاکتونی و توازن قوای جدید می تواند بر این موانع سخت و دشوار نیز غلبه کند. وقت آن است که بخش های مختلف جنبش کارگری در همبستگی با کارگران صنایع نفت و گاز علیه دستمزدهای چند مرتبه زیر خط فقر دست به اعتراض بزنند.

در لحظه کنونی و در آستانه اول ماه مه روز جهانی کارگر چیره شدن بر این موانع و آماده کردن طبقه کارگر برای برپایی اعتصابات سراسری جهت در هم شکستن تعرض رژیم به زندگی و معیشت کارگران و تضمین پیشروی جنبش انقلابی جاری و وظایف سنگینی را بر دوش فعالین و رهبران سوسیالیست جنبش کارگری قرار می دهد. طبقه کارگر بدون سازمانیابی در تشکلهای طبقاتی و توده‌ای و حزب سیاسی کمونیستی خود و ایجاد تشکل و فراگیر کردن نهادهایی از نوع کمیته های اعتصاب و ایجاد شوراهای کارگری که اعتصابات و مبارزات جاری کارگران را هدایت و رهبری کنند، نمی تواند ظرفیت های خود را برای ایجاد تحول انقلابی در جامعه به کار گیرد. کارگران کمونیست که نمی خواهند با سرنگونی جمهوری اسلامی انقلاب متوقف گردد و مدافع انقلاب پیگیر و بی وقفه هستند نباید برای یک لحظه از انجام این وظایف غافل شوند. لازم است به کارگران نشان داد که جهت دستیابی به یک زندگی آزاد و مرفه و انسانی نه فقط از رژیم جمهوری اسلامی، بلکه باید از مناسبات طبقاتی و سرمایه دارانه حاکم عبور کرد و فتح قدرت سیاسی در جامعه و خلع ید از سرمایه داران را در دستور کار و اقدام مستقیم گذاشت. چرا که پیش شرطهای اقتصادی و اجتماعی انقلاب به مرحله ای از تکامل رسیده که هیچ بحثی بر سر رفرمهای سیستماتیک و بهبود سطح زندگی توده های کارگر و زحمتکش تحت حکومت اسلامی سرمایه داران و یا جمهوری سکولار بورژواها نمیتواند در میان باشد.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت با انتشار بیانیه ای تحت عنوان «با قدرت وارد اعتصاب شویم» افزایش ۷۹ درصدی دستمزدها و بیست روز کار و ده روز تعطیلی جهت داشتن فرصتی برای بودن با خانواده ها را مطالبه فوری کارگران پروژه ای در این اعتصابات اعلام کرده است. این شورا در عین حال بر پیگیری دیگر مطالبات پاسخ نگرفته کارگران از جمله کوتاه شدن دست پیمانکاران مفتخور، بهبود و بالابردن استاندارد وضع خوابگاهها و غذاخوری ها، بهبود کیفیت سرویس های رفت و آمد و ایمنی محیط کار تأکید کرده است. کارگران همچنین تأکید کرده اند که کف دستمزد در مناطق نفتی نباید از ۲۰ میلیون تومان در ماه کمتر باشد.

در پی موجی از اعتراض های کارگری و از جمله چندین تجمع اعتراضی کارگران نیشکر هفت تپه علیه تصمیم شورای عالی کار رژیم اسلامی در مورد تعیین دستمزدهای چند مرتبه زیر خط فقر، اعتصاب کارگران صنایع نفت و گاز و پتروشیمی مبارزه برای افزایش دستمزدها در سال جاری را وارد فاز جدیدی می کند. این اعتراض ها و اعتصاب کارگران صنایع نفت و گاز نه فقط به دلیل دخالت و شاخ و شانه کشیدن نیروهای امنیتی و سرکوب رژیم، بلکه از آنجا که یکی از قوانین و سیاست های کلان رژیم جمهوری اسلامی در مورد تعیین دستمزدها برای مزدبگیران را به چالش کشیده است ماهیتی سیاسی دارند. این جنبش اعتراضی و اعتصابی کارگران به طور عینی جنبش انقلابی جاری برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را تقویت می کند. از آنجا که میان مبارزه اقتصادی و مبارزه سیاسی کارگران ارتباط و تأثیر متقابلی وجود دارد، مبارزه اقتصادی کارگران در این دوره و تحت تأثیر فضای سیاسی حاکم بر جامعه با مبارزات و مطالبات سیاسی عملا در هم می آمیزد.

اعتصاب کارگران صنایع نفت و گاز در شرایطی در جریان است که روش های شدید و پیچیده سرکوب، تفرقه افکنی نیروهای حراست حکومتی در محیط های کار، قراردادهای موقت و تهدید به اخراج و عدم امنیت شغلی، فقر و بیکاری ساختاری و نگرانی از تأثیرات پیامدهای اعتصاب بر زندگی خانواده های کارگری در حالی که خط فقر نسبی خانوارها در ایران به بالای ۲۳ میلیون تومان در ماه رسیده

در پی هشدارهای کمیته مرکزی کارگران نفت و گاز به کارفرمایان و پیمانکاران این صنایع در مورد افزایش حقوق سالیانه، که طی آن افزایش ۲۷ درصدی و ناچیز دستمزدها از جانب شورای عالی کار رژیم جمهوری اسلامی بشدت محکوم شده بود، روز جمعه کارگران این صنایع اعتصاب خود را آغاز کردند. اعتصاب کارگران پروژه ای شاغل در صنایع نفت و گاز و پتروشیمی در روز شنبه دوم اردیبهشت دامنه گسترده ای یافته است. کارگران در این روز دسته دسته با تحویل وسائل کار، کارگاهها را ترک کردند و به اعتصاب پیوستند. مطابق آخرین گزارش شورای سازماندهی کارگران پیمانی نفت، در روز شنبه شرکت های اکسیر صنعت در فاز ۲ پالایشگاه آبادان، آبادراهان و سکاف پالایشگاه نفت آبادان، کیان صنعت در پتروشیمی گچساران، اکسیر صنعت در فاز ۱۴ پارس جنوب، پارس کیهان، پیمانکاری های عباسی و لیموچی، پتروپالایش دهلران، شرکت پناه صنعت در پتروشیمی لردگان، پروژه ان جی ال ۳۱۰۰ دشت عباس، شرکت آی جی سی در دهلران، شرکت کارن گستر هفشان، مجری طرح های پایپینگ و نصب تجهیزات پتروشیمی ها در پارس جنوبی، کارگران پیمانکاری شجاعی شاغل در پتروشیمی کرمان منطقه ویژه سیرجان، گروهی از کارگران پروژه ای شاغل در پتروشیمی بندر جاسک، شماری از نیروهای شرکت هیدروسازان در پتروپالایش جاسک، نیروهای شرکت عمران صنعت شاغل در پتروشیمی آپادان، شرکت رستاک واقع در مجتمع پایا فولاد کویر یزد، شرکت فرایند صنعت شاغل در طرح یک فولاد آلیاژی یز، شرکت فولاد صنعت اطلس شاغل در پروژه میدان نفتی شماره ۲ رگ سفید واقع در گچساران به این اعتصاب پیوسته اند. بر اساس آخرین گزارش ها روز یکشنبه سوم اردیبهشت ماه نیروهای پروژه ای کارگاه فولاد غدیر نی ریز، نیروهای اکسیر صنعت باختری در مجتمع پلیمر پادجم، نیروهای جوش مخازن پیمانکاری عطایی، نیروهای شرکت راستین صنعت پایدار جنوب در فولاد سیرجان، نیروهای پیمانکاری داودی فرد در معدن مس بردسیر کرمان، گروهی از نیروهای پروژه ای شرکت فراسان در معدن مس خاتون آباد، نیروهای استراکچر شرکت آسفالت توس در پتروپالایش کنگان، گروه عایقکاران پتروشیمی کنگان و کارگران گندله سازی بهاباد یزد نیز به کمپین اعتصاب ۱۴۰۲ پیوسته اند.



## فرخنده باد اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۲) روز جهانی کارگر!

شهر و روستا، زنان و جوانان و توده های تحت ستم و استثمار، چشم انداز تحقق مطالبات خود را در تداوم و پیروزی مبارزات کارگران جستجو کرده و گرد رهبران عملی جنبش کارگری حلقه بزنند.

امروز تاریخ از ما کارگران می خواهد که انعکاس فریاد میلیونها انسان دربند جمهوری اسلامی و مافیای قدرت و ثروت در ایران باشیم. حل تضاد بین سرمایه داران و اکثریت عظیم کار و زحمت، نه با فرم بلکه با سرنگونی انقلابی نظام حاکم ممکن خواهد شد.

همگام و همراه با مبارزات کارگران سراسر جهان بر علیه حاکمیت در حال زوال سرمایه داری به پیش برویم. اوضاع اقتصادی و اجتماعی و سیاسی ایران و جهان شرایطی را بوجود آورده است که امسال می توان و باید برگزاری تظاهرات اول ماه مه را بطور گسترده تری تدارک ببینیم.

در هر کجا هستیم و به هرنحوی که می توانیم، با تلاش و کوشش خود به سازماندهی برگزاری مراسم روز کارگر همت گماشته و با طرح شعارها و مطالبات محوری و سایر مطالبات اقتصادی و سیاسی و طبقاتی خود، از جمله آزادی تشکل، آزادی سیاسی، آزادی زندانیان سیاسی و لغو مصوبه دولتی دستمزد را که حالا به مطالبه عموم کارگران و مزد بگیران تبدیل شده است، فریاد کنیم و با طرح شعارهای تبلیغی و ترویجی آترناتیو سوسیالیستی و کارگری، کارگران را به اتحاد و مبارزه حول آنها فراخوانیم.

**زنه باد اول ماه مه روز جهانی کارگر**

**سرنگون باد**

**رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی**

**زنه باد آزادی! زنه باد سوسیالیسم!**

شورای همکاری یروهای چپ و کمونیست

۳۰ فروردین ۱۴۰۲

امضا: سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت



**شورای همکاری  
نیروهای چپ و کمونیست**



جامعه نیز از پای ننشسته اند. سال گذشته در تداوم مبارزات کارگران و زحمتکشان، شاهد خیزش انقلابی عظیمی با پیشگامی زنان شجاع، رزمنده و انقلابی بودیم که برغم مواجهه با سرکوب بیرحمانه رژیم اسلامی با صدها جانباخته و هزاران زندانی، دستاوردهای مهم و برگشت ناپذیری را به همراه داشته است و این مبارزات هرچند با افت خیز اما همچنان تداوم دارد.

### کارگران مبارز ایران!

روند حوادث در یکسال گذشته در جهان و ایران، مبین این واقعیت تاریخی و انکارناپذیر است که نظام های سرمایه داری برای برون رفت از بحران های گریبانگیر خود، جز حمله به دست آورد های مبارزاتی کارگران، اخراج و بیکارسازی دسته جمعی، یورش به دست مردها و سطح معیشت کارگران و زحمتکشان و دست یازیدن به جنگ و کشتار و سرکوب حرکت های اعتراضی و فریب توده های زحمتکش مردم، راه دیگری ندارند. اکنون در این مصاف، کارگران و همه آنهایی که بار فشار سنگین بحران اقتصادی و ستم و استثمار نظام سرمایه داری را برگرده خود احساس می کنند، راهی جز مبارزه و مقابله و عقب راندن سنگر به سنگر دشمنان خود و سرانجام غلبه بر اقلیت استثمارگر و ستمگر حاکم ندارند.

رفقای کارگر، تلاطمات سیاسی سهمگین تر و امواج گسترده تری از مبارزات در پیش است. اوضاع سیاسی حساس جامعه ایران ابتکار عمل طبقه کارگر را برای دگرگونی نظم موجود می طلبد.

اول ماه مه (یازدهم اردیبهشت) امسال فرصتی است تا در اتحاد با کارگران سراسر جهان، صدای اعتراض خود را به وضعیت موجود بلند کنیم. باید تلاش کرد تا کلیه مردم زحمتکش

### کارگران و زحمتکشان!

اول ماه مه روز جهانی کارگر فرارسیده است. اول ماه مه روز تجلی همبستگی جهانی و نمایشی از استقلال طبقاتی کارگران است. کارگران جهان امسال این روز تاریخی را در شرایطی جشن میگیرند که نظام سرمایه داری در سراسر جهان با بحران اقتصادی و سیاسی عمیقی دست بگریبان است. بحرانی که تضاد بین دول امپریالیستی و انحصارات سرمایه داری را تشدید کرده و جنگ و کشتار و تورم و گرانی مایحتاج عمومی ویرانی محیط زیست را در ابعادی بی سابقه گسترش داده است و جهان را با فاجعه ای عظیم مواجه نموده است. اکنون عوارض این بحران آنچنان دامنگیرتر شده است که در نتیجه فشار کمرشکن آن، میلیونها کارگر و زحمتکش در دفاع از حق معیشت خود هر روز دست به اعتراض و اعتصاب می زنند. در سال گذشته اعتصابات و تظاهرات عظیم کارگران در کشورهای آمریکا، اروپا و پدیداری جنبش های اجتماعی ضد سرمایه داری کارگران و اقشار مختلف مردم زحمتکش در سایر نقاط جهان، چشم انداز سوسیالیستی را بعنوان تنها راه خلاصی از نظام منحل سرمایه داری بیش از پیش به افق مبارزات روزمره توده های عظیم کار و زحمت تبدیل نموده است.

نظام حاکم بر ایران نیز که با تلفیق دین و دولت یکی از سرکوبگرترین نظام های سرمایه داری محسوب می شود، همانند همپالگی های خود در سایر نقاط جهان در چالش با بحران های داخلی و حل تضادهای خارجی خود، می کوشد با تشدید استثمار کارگران و زحمتکشان بار اصلی بحران را بر دوش توده های زحمتکش مردم قرار دهد. جمهوری اسلامی در سال گذشته نیز همچون سال های قبل با اعمال سیاست های اقتصادی ضد کارگری، طبقه کارگر و توده های زحمتکش مردم را به زندگی در شرایطی سخت تر از آنچه تاکنون بوده است سوق داده است، ستمگری در عرصه های مختلف جنسیتی، ملی و مذهبی را همچون وسیله ای برای حفظ حاکمیت و انباشت سرمایه و ثروت تشدید کرده است. آزادی های سیاسی و حقوق مدنی و حق تشکل و حزب را از طبقه کارگر و زحمتکشان و فرهنگ و ورزش جامعه سلب نموده است. اما کارگران، زنان، جوانان و خلق های تحت ستم و استثمار، و انسانهای آگاه و مبارز و آزادیخواه

## اطلاعیه مشترک بمناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر سال (۲۰۲۳) زنده باد همبستگی کارگری علیه نظام سرمایه داری!

خود و دخالت فعال در روند تحولات سیاسی برای گذر از حکومت اسلامی، از منافع طبقاتی خود دفاع کنیم و به کسی اجازه ندهیم بار دیگر حاصل رنج و کار و مبارزه و هزینه‌هایی کلانی که در چهار دهه گذشته از جان و مال و زندگی خود پرداخته ایم را به تاراج ببرند. در چنین شرایطی ترویج و اشاعه سیاست سوسیالیستی و آلترناتیو حکومت شورایی در کردستان بیش از هر زمانی از مقبولیت اجتماعی برخوردار شده و ضامن پیروزی و موفقیت جنبش انقلابی سراسری و حفظ حقوق و منافع طبقاتی ما در برخورداری از یک زندگی مرفه شایسته شأن انسان می باشد.

ما امضا کنندگان این اطلاعیه به مناسبت اول ماه مه روز و نماد همبستگی جهانی طبقه کارگر ضمن گرامی داشت یاد و خاطره همه کارگران و انسانهای مبارزی که در نبرد طبقاتی کارگران علیه نظام ستمگر سرمایه داری جانباختند، صمیمانه ترین شادباشهای خود را نثار تمامی کارگران می کنیم. در اول ماه مه خواهان آزادی همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی هستیم. بر همبستگی و همگامی جنبش کارگری با دیگر جنبشهای رادیکال پافشاری می کنیم. ما کارگران و فعالین و پیشروان سوسیالیست جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی را به برگزاری اجتماعات بزرگ و میتینگهای کارگری و هر شکل ممکن دیگر در گرامیداشت روز جهانی کارگر در شهرها فرا میخوانیم.

به امید محو و نابودی نظام ظالمانه سرمایه داری به دست پر توان طبقه کارگر و استقرار حاکمیت سوسیالیستی کارگران در سراسر جهان.

**زنده باد اول ماه مه**

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی  
زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری**

کمیته مرکزی کومه له

سازمان کردستان حزب کمونیست ایران

کمیته کردستان

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

فروردین ۱۴۰۲

آوریل ۲۰۲۳



یافته حاکمیتش را سرپا نگهدارد. عدم حضور طبقه کارگر متشکل و سازمانیافته با اعتصابات سراسری یکی از ضعفهای اساسی این جنبش انقلابی در نیل به پیروزی می باشد.

امسال اول ماه مه روز جهانی کارگر در کردستان انقلابی را نیز در شرایطی گرامی می داریم که کارگران و فعالین و پیشروان سوسیالیست درون جنبش کارگری و سایر جنبشهای اجتماعی با برخورداری از تجارب و سنتهای انقلابی چهار دهه گذشته خود در برگزاری مراسم اول ماه مه، در تلاشند امسال هم روز رزم طبقاتی خود را در اشکال گوناگون و به شیوه مناسب و در خیابان و میدانی شهرها پیش ببرند. موضع گیری روشن طبقاتی کارگران کردستان در مراسمهای روز جهانی کارگر و حضور و مشارکت آنها در اعتراضات توده‌ای و اعتصابات کارگری در محل کار و زیست، با خواست و مطالبات مدون، بستر رشد جنبش سوسیالیستی در جامعه کردستان را فراهم آورده است. این واقعیت نقش و جایگاه طبقه کارگر متشکل و سازماندهی شده در جنبشهای توده‌ای و در تحولات سیاسی و مبارزات اجتماعی در کردستان را نیز برجسته کرده است. از این رو ما در کردستان شاهد شکل گیری و سازماندهی سریع کمیته های جوانان انقلابی محلات در جریان خیزش انقلابی و سراسری "ژینا" بوده‌ایم که این خود به الگوی رزمند ای برای تشکل یابی در جنبش انقلابی در سایر نقاط ایران نیز تبدیل شد.

رفقا و فعالین کمونیست در کردستان! بگذارید در مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر بار دیگر یاد آور شویم، در اوضاع بشدت متحول کنونی در ایران که حکومت جمهوری اسلامی بر اثر پیشروی و گسترش جنبش انقلابی و سراسری در سراسری سقوط قرار گرفته است، احزاب و جریانات ناسیونالیست و فدرالیست به تلاش افتاده اند در همکاری و همپیمانی با هم و با حمایت و پشتیبانی قدرتهای سرمایه داری، مسیر جنبش انقلابی را در جهت مصالح و منافع خود به بیراهه بکشاند و در این راه از قبول هیچ اقتضای حتی هم پیمانی با جریانات ضد انقلابی ابایی نداشته اند. در چنین شرایطی وظیفه سنگینی بر دوش ما قرار دارد. لازم است با تشکل و سازمانیابی

امسال اول ماه مه روز همبستگی جهانی طبقه کارگر در ایران را در شرایطی گرامی می داریم که رژیم پوسیده و فاسد جمهوری اسلامی، بر متن بحران ساختاری سرمایه داری با بحران حاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، داخلی و ایدئولوژیک دست به گریبان بوده و در ضعیف ترین موقعیت جهانی، منطقه ای و داخلی در طول حیات خود به سر می برد. رکود اقتصادی در اکثریت مراکز تولیدی و در بازار، سقوط و بی ارزش شدن قیمت ریال در برابر دلار و دیگر ارزها، تورم افسار گسیخته بالای ۵۰ درصدی، خط فقر و هزینه سبد معیشتی برای خانوادههای کارگری را به بالای ۲۰ میلیون تومان در ماه رسانده است. این درحالی است که "شورای عالی کار" ضد کارگری رژیم حداقل دستمزد کارگران برای سال جاری را حدود پنج میلیون تومان تعیین کرده است. آنگونه که نهادهای کارگری اعلام کرده اند این به معنای "مرگ تدریجی و انسداد کامل معیشتی و زندگی کارگران است". با وجود این کارگران علیرغم تهدیدات و اعمال فضای شدید سرکوب از جانب دم و دستگاههای امنیتی و جاسوسی رژیم، در مقابل این تعرض گستاخانه حکومت اسلامی سرمایه داران، با گسترش اعتصاب و اعتراضات خود به مقابله پرداخته اند.

از سوی دیگر امسال روز جهانی کارگر در ایران در شرایطی فرا می رسد که یک جنبش گسترده و وسیع انقلابی و سراسری با پیشتازی زنان در جریان است و کل حاکمیت رژیم اسلامی را هدف گرفته است. این جنبش که جرقه آن با قتل حکومتی "ژینا امینی" زده شد و اینک وارد هشتمین ماه خود شده است، انفجار خشم و نفرت فروخته بیش از چهار دهه کارگران و توده های مردم زحمتکش و ستمدیده ایران از حکومت جمهوری اسلامی را نشان می دهد. از آنجا که رژیم ورشکسته اسلامی توانایی پاسخ گویی و برآورد خواست و مطالبات این جنبش انقلابی را ندارد، از مقابله با آن نیز زبون و درمانده بوده است. تداوم این جنبش توازن قوای اجتماعی را به نفع مبارزات کارگران و توده های مردم در دیگر جنبشهای اجتماعی نیز تغییر داده است. با وجود این از آنجا که کارگران به دلائل قابل درک هنوز نتوانسته اند به مثابه طبقه متحد و سازمانیافته به این جنبش بپیوندند، رژیم تا کنون امکان آنرا

## برگزاری همایش کلن

### در حمایت از منشور مطالبات حداقلی

### تشکل‌های کارگری، صنفی و مدنی در ایران

در حمایت از منشور حداقلی نهادها و تشکل‌های کارگری، صنفی و مدنی داخل کشور روز شنبه ۲۲ آوریل همایشی در شهر کلن آلمان با حضور بیش از ۵۰۰ تن در سالن همایش و صدها تن از طریق پلاتفرم‌های مختلف آنلاین برگزار گردید.

در این همایش جایگاه این منشور و موضوعات مطرح در ۱۲ بند منشور، مورد بحث قرار گرفت، و نقطه نظرانی از دیدگاه‌های مختلف ارایه گردید. همه سخنران‌های این همایش روی این نکته اشتراک نظر داشتند که این منشور علیرغم کاستی‌هایی که دارد اقدامی مهم در شرایط و اوضاع سیاسی ایران است و باید مورد بیشترین پشتیبانی نیروهای چپ و کمونیست و همه آزادیخواهان قرار گیرد. این همایش به شکل مجموعه‌ای سخنرانی و سه پانل حول مسائل کارگری، زنان و دادخواهی پیش رفت.

سخنرانان همایش عبارت بودند از: همایون گدازگر، مینا احدی، اعظم بهرامی، محمد آسنگران، هلمت احمدیان، شادی امین، عادل الیاسی، شیوا عاملیراد، حسن حسام، مریم مصطفی سلطانی، آذر ماجدی، ایوب رحمانی، مرجان افتخاری، روبن مارکاریان، لاولین امینی، علی خدری، بهروز فراهانی و جمیله ندائی که از زوایای مختلف به جایگاه این منشور پرداختند و یا بعضاً روی بعضی از مفاد آن از جمله مسئله ملی، زیست محیطی، کویرها، کولبر و سوخت برها تمرکز کردند.

برای پیشبرد مباحث بعضی از مفاد منشور در همایش، سه پانل هم بطور مشخص پیش رفت که در پانل زنان، صدیقه محمدی، اسرین قادری، هلاله طاهری پروانه بکا، در پانل کارگری ستار رحمانی، سارا سلامی، رحمان حسین زاده و شورش کریمی و در پانل دادخواهی؛ جلال سعیدی، علی دماوندی، مرسله قائدی و پژاره حیدری شرکت داشتند.

در این همایش، مجموعه‌ای از پیام حمایتی قرائت شد از جمله پیام چهار نهاد و تشکل داخل کشور و پیام رضا شهابی و حسین سعیدی دو تن از اعضاء هیأت مدیره شرکت اتوبوسرانی تهران که هم اکنون در زندان به سر می‌برند، که با استقبال گرم حاضران در سالن همایش روبرو شد. این زندانیان سیاسی ضمن آرزوی موفقیت برای تحقق اهداف نیات برگزار کننده و شرکت کنندگان در همایش از مواد مندرج در منشور حمایت نموده و تأکید کرده اند که طبقه کارگر در صورت کسب قدرت سیاسی، پتانسیل ایجاد دگرگونی ریشه‌ای در جامعه ایران را دارد. آنها خاطر نشان نموده که در این برهه ما به یک جنبش قوی متشکل از تمام کارگران، معلمان، زنان، بازنشستگان، دانشجویان و جریانه‌های مترقی نیاز داریم.

این همایش توسط هیاتی ۱۳ نفره متشکل از نمایندگان احزاب و سازمان‌ها و افراد مستقل سازمان داده شده بود و مدیریت روز همایش بعهده هیاتی سه نفره مرکب از مینا احدی، هلمت احمدیان و صالح سرداری بود. مجریان همایش روزین کریمی و بیان زندگی بودند.

همایش با قرائت اطلاعیه پایانی هیات برگزاری و پخش سرودهای انقلابی به کار خود پایان داد



## اطلاعیه پایانی همایش کلن

در ابتدا از همه سخنرانان و مشارکت کننده گان در پنل‌ها، که دعوت ما را برای شرکت در این همایش پذیرفتند، صمیمانه تشکر می‌کنیم و به آنان خسته نباشید می‌گوییم. همچنین به همه شما عزیزانی که از شهرها و کشورهای مختلف، با وجود اعتصاب‌های پیش‌بینی نشده در فرودگاهها و متروها و با تحمل دیگر سختی‌ها و مشکلات در این همایش شرکت کردید، یک بار دیگر درود می‌فرستیم و از شما سپاس‌گزاری می‌کنیم. بدون حضور، همکاری و همراهی شما، برگزاری این همایش ممکن نمی‌شد. می‌دانیم که آمدید تا پشتیبانی خود را از منشور بیان کنید. متأسفانه به دلیل محدودیت زمان، نتوانستیم این فرصت را فراهم کنیم تا صدای عزیزانی که مایل بودند سخنان و نظرات خود را در همایش طرح کنند، شنیده شود. اما همگان آگاهیم که حضور شما چه در سالن، و چه از طریق آنلاین، گویا‌ترین صداها و سخن‌هاست. با این حال امیدواریم در فرصت‌های دیگر صدا، نظر و البته انتقاد‌های شما را بشنویم.

همچنین وظیفه خود می‌دانیم که از دهها حزب، سازمان و نهاد و بیش از هزار نفری که با امضای خود از این همایش حمایت کردند و در تدارک آن ما را یاری دادند، تشکر کنیم. این سطح از پشتیبانی، که البته قابل انتظار بود، باعث شد که با دل گرمی و اطمینان بیشتری برای برگزاری همایش، کوشش کنیم.

مهم‌تر از هر چیز دیگر، اجازه بدهید که همراه با هم به تمام اعضای بیست تشکل صنفی و مدنی که در تدوین و تهیه منشور، پیش‌قدم شدند، و به دهها تشکل و نهاد دیگر در ایران که بعد از انتشار منشور، از آن پشتیبانی کردند و نیز به همه اعضای دیگر تشکل‌های مستقل کارگری و مدنی که به هر دلیل امکان آن را نداشتند که از منشور حمایت کنند، اما سالهاست که برای تحقق بسیاری از مفاد دوازده گانه منشور مبارزه کرده‌اند، درود بفرستیم و همبستگی و اتحاد مبارزاتی خود را با همه آنان اعلام کنیم. منشور، همان‌طور که تدوین کنندگان آن به درستی گفته‌اند، سند‌نهایی و غیر قابل تغییر نیست و در سیر مبارزه تکمیل خواهد شد.



## شکست طرح های زن ستیزانه رژیم اسلامی

اطلاعیه ای اعلام کرده بود که تمامی دانشگاهها و مراکز آموزش عالی به دانشجویانی که حجاب را رعایت نکنند، خدمات آموزشی و رفاهی ارائه نخواهند داد. وزارت آموزش و پرورش هم روز ۱۴ فروردین طی بیانیه ای اعلام کرده بود که بر اساس قوانین و مقررات از ارائه خدمات آموزشی به دانش آموزانی که پوشش اسلامی در مدرسه‌ها را رعایت نکنند خودداری خواهند کرد.

اما حکومت اسلامی به خوبی میداند که این محرومیتها و هشدارها نمی‌تواند دانش آموزان را وادار به قبول پوشش اسلامی کند. به همین دلیل به دنبال بازگشایی مدارس و دانشگاهها و به ویژه پس از شکست طرح به روز شده "حجاب و عفاف"، بار دیگر اوباشان آتش به اختیار را به جان دانش آموزان و دانشجویان انداخته و موج دیگری از سریال حملات شیمیایی به مدرسه‌ها را از سر گرفته اند. همان روز شنبه ۲۶ فروردین مردم معترض در شاهین شهر اصفهان با علم به اینکه حملات شیمیایی به مدارس را خود حکومت سازمان می‌دهد، در مقابل اداره آموزش و پرورش با شعار "حکومت کودک کش نمی‌خوایم" به برپایی تجمع اعتراضی پرداختند. روز دو شنبه ۲۸ فروردین عمل مسموم کردن دانش آموزان در شهرهای سنندج، سقز، بوکان، دیواندره، ارومیه، تبریز، کرج، دزفول، ماهدشت کرج و گیلانغرب تکرار گردید. اقدامات آتش به اختیاران خامنه ای، روز سه شنبه ۲۹ فروردین گسترش بیشتری یافت. در این روز به ۳۰ مدرسه از جمله پنج مدرسه در کرمانشاه، چهار مدرسه در تهران، در هریک از شهرهای سقز و اسلامشهر و کرج دو مدرسه و در ارومیه و اردبیل و اهواز نیز مدارسی مورد حملات شیمیایی رژیم قرار گرفتند. در توجیه این اعمال وحشیانه حکومت اسلامی، روز سه شنبه پاسدار قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی در رابطه با جنبش اعتراضی زنان گفت: "معترضان پا روی همه باورهای دینی، اخلاقی، سنتها و عرف جامعه از جمله قرآن، مسجد، و هویت اسلامی گذاشته اند".

با این حال زنان آزادیخواه، جسور و مبارز بدون توجه به فتوا و اراجیف رهبران و اقدامات سرکوبگرانه نهادها و عوامل رژیم، در اولین روز اجرای طرح زن ستیز و تحقیرآمیز "حجاب و عفاف" آزادانه و بدون حجاب و روسری در سطح شهرها به خیابان آمدند و قوانین اتجاعی و پوسیده ضد زن رژیم را زیر پا گذاشته و

منشور مطالبات حداقلی در کوران یک جنبش بزرگ انقلابی، تدوین و منتشر شد، جنبشی که به گفته منشور "علیه زن ستیزی و تبعیض جنسیتی، ناامنی پایان ناپذیر اقتصادی، بردگی نیروی کار، فقر و فلاکت و ستم طبقاتی، ستم ملی و مذهبی" سر برآورد و قصد آن دارد که همه این پلشتی را در گورستان تاریخ به خاک بسپارد و "برای همیشه به شکل‌گیری هرگونه قدرت از بالا پایان دهد".

منشور مطالبات حداقلی آن گونه که تدوین و امضا کننده گان آن آرزو کرده اند در "عرصه جهانی" نیز تا هم اکنون به خوبی مورد استقبال قرار گرفته است. منشور به فاصله کوتاهی بعد از انتشار، به زبان های مختلف ترجمه و تکثیر شد. چندین اتحادیه کارگری در کشورهای مختلف با صدها هزار عضو از منشور حمایت کرده اند، و مباحث منشور، موضوع دهها نشست و گرد همایی حضوری یا مجازی بوده است. همایش امروز یکی دیگر از این گرد همایی ها در پشتیبانی از منشور است. امیدواریم که این حمایت ها به شیوه ها و به مناسبت های مختلف به ویژه در مراسم های امسال روز جهانی کارگر اول ماه مه ادامه یابد.

به بیان دیگر، امیدواریم که صدای جنبش های بزرگ اجتماعی و پیشرو که منشور از آنها نام برده مورد پشتیبانی هر چه بیشتر همتایان خود در عرصه جهانی قرار گیرد. بگذار اپوزیسیون های دست راستی با هدف دست بدست شدن قدرت سیاسی از بالا، به در یوزگی در بارگاه طبقات حاکم و دولت های خارجی مشغول باشند. سرنوشت انقلاب را اما این بار، مردم انقلابی ایران می‌توانند که خود رقم زنند، و متحدان واقعی آنان در عرصه جهانی، نه طبقات حاکم بلکه جنبش های پیشرو و مترقی و همه انسان های شریفی هستند "که دل درگرو آزادی، برابری و رهائی دارند".

هئیت برگزار کننده همایش کلن

۲۲ آوریل ۲۰۲۳

طی هفته گذشته یکی دیگر از طرحهای پر هزینه و شرورانه رژیم اسلامی یعنی طرح به روز شده "حجاب و عفاف" علیه زنان، با شکست روبرو شده است. به دنبال بازگشایی مدارس پس از تعطیلات نوروز مقامات رژیم اسلامی از خامنه ای گرفته تا قالیباف و رئیسی و وزیران کابینه و سایر کارگزاران دستگاههای امنیتی و نیروهای سرکوبگر رژیم اسلامی به تلاش افتادند تا بلکه بتوانند بار دیگر زنان آزاده را به زیر چادر و مقنعه این نمادهای تبعیض و آپارتاید جنسیتی اسلامی برگردانند. علی خامنه ای جنایتکار روز ۱۵ فروردین با گردآوردن سران سه قوه رژیم و مدیران و مسئولان دم و دستگاههای تحمیق و سرکوب، نمایندگان مجلس فرماندهان سپاه و دیگر وابستگان حکومتی نگرانی و ناکامی خود از شکست سیاستهای سرکوبگرانه تا کنونی رژیم را این بار با اعلام فتوای شرعی نشان داد. او با تأکید زیاد گفت: "کشف حجاب حرام شرعی و حرام سیاسی است" و طبق معمول آنرا به دستگاههای بیگانه و دشمن نسبت داد. سخنگوی ستاد امر به معروف و نهی از منکر رژیم نیز ترس و وحشت خود از مقاومت و مبارزه زنان در برابر پذیرش خفت حجاب تحمیلی را نشان داد و اعلام کرد که: "با شکسته شدن قانون الهی حجاب، سایر قوانین اسلامی هم مورد هجمه قرار می‌گیرند".

علی خامنه ای در دیماه گذشته با هدف سرکوب جنبش زنان آزاده، احمدرضا رادان یکی از جنایتکارترین فرماندهان سپاه پاسداران که سابقه کشتار و شرارت زیادی دارد را به عنوان فرمانده کل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی برگزید. تا طرح ارتجاعی جدید "حجاب و عفاف" را برای مقابله و سرکوب زنان به اجرا درآورد. رادان روز ۱۹ فروردین هشدار داد که از روز شنبه ۲۶ فروردین به صورت جدی و با استفاده از تجهیزات و فناوری پیشرفته، دوربین های مداربسته و دستگاههای کنترل هوشمند پیشرفته در سه حوزه که کشف حجاب صورت می‌گیرد، متخلفان را شناسایی و با آنان برخورد خواهند کرد. دیگر نهادها و مهره های رژیم نیز هر یک در حوزه مأموریت خود برای تحمیل حجاب به ترفندهایی متوسل شده اند. روز سه شنبه ۲۹ فروردین سر پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور اعلام کرد که به نهادهای حکومتی دستور داده تا از ارائه خدمات عمومی به کسان بی حجاب و بد حجاب خودداری کنند. وزارت باصطلاح "علوم و تحقیقات و فناوری" نیز در همان راستا طی





## اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان در مورد ادامه مسمومیت زنجیره ای مدارس توسط جمهوری اسلامی

را برای جوابگویی به این جنایات تحت فشار بگذارند. شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان ضمن همدردی با خانواده و بستگان مجروحین، برای قربانیان این جنایت هولناک آرزوی بهبودی عاجل دارد. ما همچنین از تمام احزاب و نهادها و تشکلهای آزادیخواه تقاضا داریم، علیه این کردار فاشیستی جمهوری اسلامی که کمر به نابودی شهروندان خود گرفته صدای اعتراض خود را بلند کنند. کسی منکر نیست که زنده ماندن مردم در گرو به زیر کشیدن این رژیم است.

### زنده باد

### مبارزه سازمان یافته و متحدانه مردم انقلابی.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان

۲۱ فروردین ۱۴۰۲

۱۰ آوریل ۲۰۲۳



روز شنبه ۱۹ فروردین در دیواندره و متعاقب آن در روز یکشنبه ۲۰ فروردین در شهر سقز چندین مدرسه در این دو شهر مورد حمله شیمیایی عوامل جنایتکار جمهوری اسلامی قرار گرفت. همچنین امروز دوشنبه در شهرهای سنندج و کرج و خوی چند مدرسه دیگر مورد حمله باندهای جنایتکار خامنه‌ای قرار گرفت. تنها در شهر دیواندره و سقز دهها دانش آموز مسموم شدند که حال چندان از آنها وخیم گزارش شده است. زنان و مردان مبارز و خشمگین در شهرهای دیواندره و بویژه سقز ضمن تعرض و فراری دادن نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی، بدرست خامنه‌ای و رژیم جنایتکار او را مسبب اصلی این جنایت دانسته و مردم انقلابی را برای اعتراض و اعتصاب بویژه شهر فراخواندند و امروز این شهر در حالت تعطیل بود. رژیم سرکوبگر اسلامی با این اقدامات فاشیستی و رها کردن وحوش آتش به اختیار علیه زنان و مدارس در تلاش مذبوحانه برای نگهداشتن حاکمیت ضربه خورده خود دست و پا می زند. این اعمال تبهکارانه جمهوری اسلامی به حق از جانب میلیونها انسان عاصی از حکومت اسلامی مورد تنفر و بیزاری قرار گرفته است و باید بصورت سراسری پاسخ درخور خود را بگیرد.

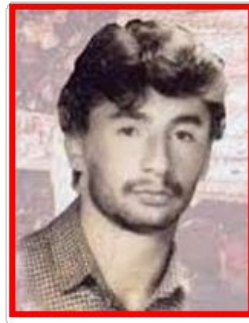
مردم مبارز کردستان! جوانان انقلابی! مادران، پدران و خواهر و برادران دانش آموزان! علیه این عمل شنیع و ضد بشری جمهوری اسلامی ساکت نشینید. با استفاده از درسهای خیزش انقلابی اخیر علیه حکومت جنایتکار اسلامی خود را سازمان دهید و به میدان بیایید و مردم شهرهای کردستان را به اعتراض، تظاهرات و اعتصاب فراخوانید. لازم است مردم مبارز دیگر شهرهای کردستان ضمن پشتیبانی از مردم مبارز سقز و دیواندره، بهر طریق ممکن، جمهوری اسلامی

به چالش کشیدند. روزهای پس از آن و تا کنون نیز زنان آزاده به همان شکل به دفاع از حقوق انسانی و دستاوردهای تا کنونی خود در جنبش انقلابی و سراسری "ژینا" پرداخته اند. به این ترتیب طرح ارتجاعی و پرهزینه حکومت توسط زنان مبارز به شکست کشانده شده است. طرح ارتجاعی ضدیت با موی زنان در شرایطی به اولویت جمهوری اسلامی تبدیل شده است که رژیم با بحرانهای عمیق و همه جانبه دست به گریبان بوده و از تأمین شغل و کار و احتیاجات اولیه زندگی برای کارگران و مردم زجر دیده، عاجز و در مانده است.

کلیه این جنایات علیه زنان در اتاق فکر حاکمان رژیم اسلامی برنامه ریزی و به اجرا در می آید. اما زنان در این نبرد برحق و انقلابی با دم و دستگاههای تحمیق و سرکوب رژیم اسلامی نباید تنها بمانند. لازم است کارگران و دیگر اقشار مردم شریف و زحمتکش جامعه در کنار دانش آموزان و اولیای آنان قرار گیرند. حاکمان و کارگزاران ریز و درشت دزد و فاسد جمهوری اسلامی با این اعمال شنیع و ضد بشری می خواهند فضای جامعه را ناامن کنند و مردم را به آن مشغول نمایند. آنچه در این رابطه حاکمان و کارگزاران رژیم را نگران ساخته نه بی ارزش و اعتبار شدن باورهای دینی بلکه سرنوشتی حکومت اسلامی و محروم شدن شان از خوان یغمایی است که طی چهار دهه گذشته برایشان پهن شده و حسابهای بانکی خود را از حاصل کار و رنج کارگران و مردم زحمتکش ایران پر کرده اند. آنان برای تداوم حاکمیت و بهره مندی از این خوان یغما باکی ندارند از اینکه هر روزه کارگران و مردم تهیدست و زحمتکش ایران را با توطئه، طرح و برنامه جنایتکارانه ای مواجه می سازند. اما در همان حال مطمئن هستند که به زودی با توفان اعتراض و خشم فزاینده آنان مواجه خواهند شد. توفانی که در راه است و با سرنوشتی انقلابی جمهوری اسلامی، رژیم را به ذباله دان تاریخ

## اول ماه مه و یاد جمال چراغ ویسی و یارانش

### بازخوانی نامه ای از کارگر کمونیست جمال چراغ ویسی



جمال چراغ ویسی، سخنران مراسم اول ماه مه روز جهانی کارگر در سال ۱۳۶۸ در شهر سنندج، یکی از کارگران کمونیست و مبارز و یکی از فعالین پرشور برگزاری مراسم‌های اول ماه مه در این شهر بود که جان خود را در راه مقاومت و پیشبرد مبارزه جنبش کارگری و سوسیالیستی علیه نظام ستم و استثمار و حاکمیت جهل و جنایت

رژیم سرمایه‌داری اسلامی در ایران و تحقق اهداف رهایی‌بخش طبقه کارگر فدا نمود.

رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در تداوم حملات و سرکوب‌های شدید خود علیه جنبش کارگری و کمونیستی و دیگر جنبش‌های پیشرو و حق‌طلب و توده‌های مردم مبارز در جامعه و در تداوم کشتار هزاران کارگر مبارز و فعالین انقلابی و کمونیست و قتل‌عام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷، جمال چراغ ویسی سخنران مراسم روز جهانی کارگر سال ۱۳۶۸ را به قتل رساند. در متن چنین سرکوب‌ها و فضای میلیتاریستی حاکم در جامعه اما مبارزات و مقاومت‌ها علیه رژیم اسلامی در ابعاد مختلف جریان می‌یابد. در کردستان رژیم اسلامی در هراس از تأثیر و تحرک و قدرتمندی جنبش کارگری و کمونیستی در عرصه‌های مختلف خصوصاً برگزاری مراسم‌های روز جهانی کارگر و در این میان مراسم بزرگ و باشکوه سال ۱۳۶۸ سنندج با قطعنامه کارگری و رادیکال آن (برگزار شده در سالن تختی این شهر) و راهپیمایی پرشور شرکت کنندگان و سردادن شعارهای کارگری و انقلابی در خیابان‌های اطراف سالن، مدتی بعد از برگزاری مراسم جمال چراغ ویسی و شماری دیگری از فعالین در مراسم از جمله چند نوجوان دختر و پسر که در گروه سرود این مراسم، سرود خوانده بودند را دستگیر و زندانی نموده و این عزیزان را قبل از فرا رسیدن روز جهانی کارگر سال بعد و به منظور ممانعت از تداوم برگزاری این مراسم‌ها همراه با شمار دیگری از زندانیان سیاسی به قتل می‌رساند. جنایتکاران رژیم، جمال چراغ ویسی را پس از تحمل چندین ماه آزار و شکنجه و مقاومت و دفاع از اهداف کارگری و باورهای کمونیستی خود، در زندان سنندج اعدام کرده و به طور مخفیانه پیکر او و دیگر عزیزان جانباخته را در تقریباً یکصد کیلومتری شهر سنندج و در ناحیه‌ای از اطراف شهر قروه که

جنایتکاران رژیم آن را «لغت آباد» اما مردم آزاده و انقلابی آن را «خاوران کردستان» می‌نامند، در گور دسته‌جمعی دفن کردند. خانواده و بستگان شماری از این عزیزان، پیکر آنان را یافته و شناسایی کردند.

مدتی بعد رادیو و نشریات کومه‌له و حزب کمونیست ایران اسامی شماری از این

جانباختگان را چنین اعلام کردند:

«جمال چراغ ویسی - رویا دختر ۱۷ ساله - دختر دیگری که هویتش معلوم نشده و در کنار جسد رویا به خاک سپرده شده بود - پسر نوجوانی (پسر محی‌الدین بلورفروش) که رهبری یک گروه سرود کارگری را به عهده داشته است - ناصر جلالی پیشمرگ کومه‌له، نادر فاتحی پیشمرگ کومه‌له - علی اشرف مرادی - ناصر سبحانی - انور شریفی (با شریعتی) - احمد پرویزی - سید صالح حسینی - محسن عثمان‌پور - محمد رزایی - احمد محمدی - بختیاری - و رنجبر».

اعدام جمال چراغ ویسی و دیگر زندانیان دربند، موجی از خشم و نفرت را علیه رژیم اسلامی در جامعه دامن زد و با وجود این کشتارها و سرکوب‌ها، کارگران در سنندج و شمار دیگری از شهرهای کردستان به اشکال مختلف مراسم‌های گرامیداشت روز جهانی کارگر را برپا داشته و ضمن محکوم کردن اعدام رفیق جمال چراغ ویسی یاد او را گرامی داشتند. جمعی از کارگران سنندج علیه رژیم اسلامی و اعدام جمال چراغ ویسی و زندانی کردن کارگران بیانیه‌ای اعتراضی صادر کرده و خطاب به همطبقه‌ای‌های خود در سراسر ایران و جهان از آنها خواسته بودند که به اعتراض و محکومیت علیه رژیم جمهوری اسلامی و به حمایت از آزادی زندانیان سیاسی برخیزند و از کومه‌له می‌خواهند که این بیانیه را از رادیو پخش نموده و در خارج کشور نیز وسیعاً آن را انتشار دهد. در قسمتی از بیانیه مزبور، جمال چراغ ویسی اینگونه معرفی شده است:

«رفقای کارگر! قبل از اینکه جمال را به شما که او را نمی‌شناسید بشناسانیم، بگذارید با یاد او حرف‌هایمان را با شعری که هر ساله جمال در اول مه‌ها ورد زبانش بود، شروع کنیم. اول مه بود که ما را خروشانند، اول مه بود که نشان داد تنها راه ما مبارزه‌ای خستگی‌ناپذیر است،

اول ماه مه شعله‌ور می‌کند، اول ماه مه ستم را ریشه‌کن می‌کند. کاک جمال چراغ ویسی کارگری بود که ۲۵ سال سن داشت و در سازمان آب سنندج کارگر نگهبان بود، جمال نان‌آور خانواده بود و تنها کسی بود که معاش خانواده را تأمین می‌کرد، وی همه عمرش را با درد و رنج گذرانده بود. این زندگی سراسر رنج و مشقت‌آور او را همچون صدها و هزاران کارگر معترض به این نظام ظالمانه بار آورده بود. جمال در سال‌های اخیر برای متشکل شدن کارگران در تشکل‌های مستقل خودشان تلاش زیادی نمود و خود عضو اتحادیه‌ای کارگری بود که رژیم به این اتحادیه حمله کرد و آن را تعطیل نمود. او عضو باشگاه ورزشی کارگران سنندج بود، کم نیستند کارگرانی که یاد جمال را هرگز فراموش نخواهند کرد و همیشه یادش را با سخنانی که او در اول مه گفت، به یاد خواهند آورد. کارگران بیکاری که دور سفره خالی‌شان جمع می‌شوند، هر کودکی که زیر بار کار فرسوده می‌شود، هر کارگری که مشکلات زندگی بر او فشار می‌آورد، جمال را به یاد می‌آورد که در اول مه سال ۶۸ از میان جمعیت بلند شد و این مشکلات و وضعیت زندگی کارگران و خانواده‌های آنها را بیان کرد و راه چاره را در متحد شدن ما دید. او در سال ۶۸ در مورد ساعت کار طولانی، بی‌حقوقی ما کارگران، نبودن مسکن، شرایط بد بهداشتی و درمان، مجمع عمومی، صندوق همبستگی مالی، بیکاری و مطالبه بیمه بیکاری برایمان حرف زد....»

آنچه در پی می‌آید، متن نامه‌ای است از جمال چراغ ویسی که اولین بار در نشریه پیام (نشریه رادیو صدای انقلاب ایران-رادیو کومه‌له) شماره ۷۳ به تاریخ آبان ۱۳۶۹ به چاپ رسیده است. در این نامه، جمال چراغ ویسی را هرچه بیشتر در قامت یک کارگر مبارز و کمونیست بازمی‌شناسیم که علیرغم محرومیت و تنگدستی و تحمل بار گران تأمین معیشت خود و خانواده، یک دم از مبارزه و کسب آگاهی و آگاهگری طبقاتی غافل نمانده و در متن شرایط سرکوب و خفقان و اعدام‌های گسترده، به سهم خود و با تمام توان در راه پیشبرد امر مبارزه کارگری و انقلابی خود علیه رژیم سرمایه‌داری اسلامی، اتحاد و تشکل‌یابی و احقاق حقوق خود و دیگر همسرنوشتانش و نیز برپایی مراسم‌های مستقل روز جهانی کارگر و تحمیل آن به رژیم و سرمایه‌داران گام برمی‌دارد. او در این

→ نامه به طور موجز درک عمیق خود از مبارزه طبقاتی، از کمونیسم علم شرایط رهایی طبقه کارگر، کاربست مارکسیسم، مبارزه متحزب و سازمانیافته کمونیستی کارگران و ضرورت پیوستن به حزب کمونیست را به روشنی نشان می‌دهد. این نامه کوتاه، تلاش و استعداد سرشار در وجود این کارگر جوان را به نمایش می‌گذارد از عرصه تبلیغ و آگاهگری و تشکیل‌یابی کارگری و کمونیستی گرفته تا عرصه کار هنری و فرهنگی. اما دشمن طبقاتی و ماشین کشتار و سرکوب رژیم سرمایه در ایران بیشتر از این به او مجال نداد که بتواند توان و ظرفیت‌های بیشتر خود را در امر خدمت به مبارزه طبقه کارگر برای نابودی شرایط ضدانسانی حاکم بر جامعه از خود بروز دهد. نامه جمال چراغ‌ویسی نمونه آموزه‌ای است که در متن تقابل‌ها، انحرافات و تضادهای موجود، ضرورت دفاع هر چه بیشتر از اهداف و سیاست‌های کارگری و کمونیستی و اتخاذ قاطعانه آنان را صدچندان می‌کند و تجلیل و گرامیداشت یاد او و دیگر رفقای جانباخته این حزب را معنای واقعی می‌بخشد.

### یک نامه از رفیق جانباخته.

#### کارگر معترض جمال چراغ‌ویسی

اول ماه مه روز جهانی کارگر سال ۶۵، بعدازظهر ساعت ۱ هنگامی که کارگران محل جهت رفتن به مراسم در گوشه‌ای جمع می‌شدیم تا دسته‌جمعی به مراسم برویم، حمید را دیدم که با چند نفر از کارگران با هم دست می‌دادند، وقتی به هم رسیدیم، ما هم مثل دیگران هر چند تا آن موقع برخورد زیادی و حتی برخورد جزئی هم با هم نداشتیم، اما به خاطر خصلت وجودی‌مان و کارگروبودنمان خیلی زود با همدیگر آشنا و صمیمی شدیم و همگی با هم به مراسم رفتیم و در یک ردیف صندلی قرار گرفتیم. موقع نشستن، حمید نزد من نشست و درباره روز جهانی کارگر و چگونگی آن شروع به بحث کردیم و قول دادیم که در صورت سخنرانی رئیس اداره کار (اقلامی جنایتکار) طبق برنامه‌ای که اعلام کرده بودند، سالن را تا پایان صحبت‌های او ترک نماییم و در این رابطه کارگران دیگر را در جریان گذاشتیم و همگی با هم همصدا شدیم. بعد از مدتی اقلامی آمد و سخنرانی را شروع کرد و ما همگی سالن مراسم را ترک کردیم و تا پایان سخنرانی او در حیاط کارخانه پوشاک ماندیم. بعد از پایان مراسم یک جعبه شیرینی را که از مراسم باقی مانده بود با هم در بین کارگران ساختمانی که در آن اطراف کار می‌کردند پخش نمودیم. هنگام مراجعه به

محل در راه در مورد مراسم روز جهانی کارگر و دستاوردهای آن بیشتر با هم حرف زدیم و از آن پس در ارتباطی اجتماعی نظیر رفت و آمد خانوادگی با یکدیگر قرار گرفتیم و توانستیم بیشتر همدیگر را بشناسیم و با نظرات همدیگر بیشتر آشنا شویم و در مورد مسائل مختلف اجتماعی هم با هم حرف می‌زدیم. اوایل تابستان به دلیل اینکه در شهر بیکار بودم و احتیاج زیادی به کار کردن داشتم، مجبور شدم برای مدتی در خارج از کردستان مشغول کار شوم. (البته ارتباط و نزدیکی با حمید همچنان ادامه داشت اما به شکلی محدودتر و به طور جزئی). مدت ۴ ماه در آنجا بودم و در آبانماه به شهر سنندج بازگشتم و ارتباطم را با حمید بیشتر کردم تا اینکه مسئله تشکیل صندوق تعاونی مالی پیش آمد که از من هم دعوت کردند و من نیز از آن استقبال نمودم و به عضویت صندوق درآمدم. از آن پس ارتباطمان به شیوه جدیدی برقرار شد. رفت و آمد خانوادگی ما افزایش یافت و بیشتر وقت‌مان صرف بررسی مسائل کارگری و مسائل صندوق می‌کردیم تا اینکه مراسم روز جهانی کارگر سال ۶۶ پیش آمد. حمید در اتحادیه چرم‌سازان به عنوان نماینده صنف قالیباف‌ها حضور داشت. من همراه او به سنندیکای چرم‌سازان مراجعه می‌کردم و از آنجا با چند نفر کارگر سنندیکا آشنا شدم و از آن پس آشناهایم بیشتر شدند. ما هر دو یک درد داشتیم متحد نبودن! و یک خواست هم داشتیم متحد شدن! در این رابطه در محل با همکاری یکدیگر و سایر اعضای صندوق تبلیغات زیادی زیادی را برای برگزاری هرچه باشکوه‌تر مراسم و شرکت فعال‌تر در آن شروع کردیم و توانستیم تعداد زیادی از اهالی محل را در مراسم شرکت دهیم و مبلغی پول که در محل جهت کمک به مراسم جمع‌آوری شده بود به حمید که مسئول تهیه شیرینی مراسم بود، تحویل دادیم. البته مقداری از این مبلغ پول را به خرید شیرینی جهت توزیع در محل اختصاص دادیم و من در خرید شیرینی، بسته‌بندی و نوشتن شعار روی پوسته‌های کاغذی شیرینی‌های داخل بسته‌ها و پخش آن به حمید کمک کردم. بعد از پایان مراسم و موقع مراجعه به محل، شیرینی‌هایی را که برای توزیع در محل آماده کرده بودیم با نظارت من و حمید و رفیق دیگری، در محل خودمان و محلات اطراف پخش کردیم. در این جریان بود که ارتباط ما نزدیک‌تر شد و بیشتر وقت‌مان را صرف مسائل کارگری و نحوه افزایش اعضای صندوق و پیشرفت بیش از پیش کارها می‌کردیم و توانستیم اعضای بیشتر و فعال‌تر را جذب تعاونی نماییم. نمونه آن پیوند با صندوق‌های تعاونی مالی دیگر بود.

→ بودیم که: کارگران با نیروی خود آزاد

## شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

### تهاجم رژیم اسلامی به زنان، تهاجم به کل جامعه است! این تهاجم را درهم بشکنیم!

از دستاوردهای جنبش آزادیخواهی در ایران است، مربوط به کل جامعه است، بنابراین همه جنبش های پیشرو اجتماعی، همه انسانهای آزادیخواه و برابری طلب در برابر این تهاجم گسترده رژیم اسلامی به زنان باید از زنان و حقوق انسانی آنان به دفاع برخیزند.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست اعلام میکند که این تهاجم گسترده به زنان و مدارس دخترانه و به جامعه را فقط با برپایی و سازماندهی یک جنبش اعتراض توده ای می توان در هم شکست. نباید زنان آزاده ایران را در برابر این تهاجم و افسارگسیختگی ضدانقلاب اسلامی تنها گذاشت. نباید مقابله با این تهاجم به حقوق انسانی و زندگی زنان را فقط به مقاومت و زنان در مکانهای کنترل شده با دوربین های هوشمند و در محاصره آتش به اختیاران محول کرد. اگر چه دفاع میدانی و تنها نگذاشتن زنان در هر مکانی امر انسانی و اخلاقی همه مردان و زنان آزاده است، اما مقابله با این یورش گستاخانه به دستاوردهای جنبش انقلابی ژینا امر حیاتی جنبش کارگری و همه جنبش های پیشرو اجتماعی است. باید محیط های کار و دانشگاه و مدرسه و خیابان را به میدان مبارزه و تعرض متقابل برای در هم شکستن تهاجم علیه زنان آزاده ایران تبدیل کرد. دستاورد زنان در جنبش انقلابی ژینا که برای آن جان ها، و چشم ها داده اند فقط به زنان تعلق ندارد، به همه زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب، به همه انسانهای تحت ستم حکومت اسلامی سرمایه داران تعلق دارد، برای دفاع از این دستاورد و برای درهم شکستن تهاجم رژیم اسلامی بپا خیزیم. در هم شکستن این تهاجم در گرو هر چه توده ای تر کردن و سازمانیافته تر کردن و سراسری تر کردن اعتراضات علیه کلیت رژیم جمهوری اسلامی است.

**رهایی زنان، رهایی جامعه است!**

**سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!**

**زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم!**

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

۱۲ آوریل ۲۰۲۳ - ۲۳ فروردین ۱۴۰۲

امضا: سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

بعد از فرمان آتش به اختیار خامنه ای علیه زنان، احمدرضا رادان، فرمانده کل نیروی انتظامی رژیم جمهوری اسلامی روز شنبه ۱۹ فروردین اعلام کرد، کسانی که در معابر عمومی، خودرو یا اماکن تجاری کشف حجاب کنند، شناسایی می شوند، در مرحله اول به آن ها تذکر داده می شود و در مرحله دوم با اسناد و مدارک به قوه قضائیه معرفی می شوند. حسین شریعتمداری به عنوان مدیر مسئول و نماینده خامنه ای در روزنامه کیهان نیز پدیده کشف حجاب را یک پدیده امنیتی اعلام کرد. به دنبال این تهدیدات دستگاه پلیس و نیروهای امنیتی در همکاری و همدستی با رسانه های اجبر در تلاش هستند که با هر حيله و نیرنگی شده بخشی از مردم عادی را به همکاری با نهادهای حکومتی جهت مقابله با زنان بی حجاب وادار کنند. فرمانده نیروی انتظامی به صاحبان صنوف هشدار داده است که «در صورت عدم رعایت حجاب اجباری از سوی متصدیان شان، ابتدا تذکر و اخطار پلمب دریافت خواهند کرد و در نهایت، پلمب می شوند». موج جدید حملات شیمیایی به مدارس دخترانه بخشی از این تهاجم گسترده به زندگی زنان است.

سازماندهی این ضد حمله و تهاجم گسترده به زنان و دختران دانش آموز برای جبران شکست و ترمیم پایه های ایدئولوژیک حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی است که با تعرض زنان و دور افکندن حجاب و روسری ها و سوزاندن آن در کف خیابان به لرزه درآمده است. حق با شریعتمداری این حلقه بگوش خامنه ای است، با کشف حجاب و سوزاندن روسری ها امنیت جمهوری اسلامی به مخاطره افتاده است. اگر چه زنان مبارز و آزاده ایران از همان فردای به قدرت رسیدن ضدانقلاب اسلامی در محیط خانواده و عرصه های مختلف حیات اجتماعی با قوانین اسلامی و زن ستیز و فرهنگ مردسالارانه در افتادند و یک پای اصلی خیزش های انقلابی و جنبش های پیشرو اجتماعی در دو دهه اخیر بوده اند، اما در جنبش انقلابی جاری با نقش پیشتازی که ایفا کردند آشکارتر از همیشه ارکان سیاسی و ایدئولوژیک رژیم را مورد تعرض قرار دادند. زنان آزاده در دانشگاه و مدرسه و خیابان با به زمین افکندن حجاب و روسری و سوزاندن آن کل فضای سیاسی جامعه و حتی افکار عمومی جهان را تحت تأثیر قرار دادند. این دستاورد جنبش رهایی زنان، این میزان از آزادی که به دست آورده اند فقط مختص به زنان نیست، این

می گردند و نیروی آنها در اتحاد آنها است، جنبش کارگری ما بایستی مسلح به آگاهی کمونیستی کوبنده باشد تا خود را از یوغ استثمار برهاند، بایستی رهنمودهای کارگری را از یک نظم و سازمان کمونیستی به دست آورد، زیرا که کمونیسم راه رهایی بخش کارگران است، باید به مارکسیسم مسلح شد و در این راستا بود که حزب کمونیست ایران، حزب کارگران و رنجبران را برگزیدیم، زیرا آن را یک حزب پرولتری می دانیم. عملکرد چندین ساله او در ارتباط با جنبش کارگری و کمونیستی ایران مشخصه آن است. ما توانستیم در بین کارگران چه از طریق مجامع عمومی کل کارگران، چه به شیوه ارتباط با اعضای یک صندوق تعاونی مالی و چه به صورت شرکت در سندیکاها و محفل های کارگری و شرکت در مراسم های کارگری، نفوذ قابل توجهی پیدا نماییم. ما حزب کمونیست ایران را انتخاب نمودیم، زیرا حزبی کارگری است، درد را می شناسد و چاره را پیدا کرده است، پس با آن هماهنگ می شویم، نظرات و سیاست های آن را در کارهای مان می گنجانیم تا از صرف انرژی بی مورد جلوگیری نماییم. به این دلایل و دهها و بلکه صدها دلیل منطقی دیگر خواستار ارتباطی نزدیک و همگام با او هستیم تا کارهای مان را بیشتر و درست تر انجام دهیم و بتوانیم پیشروتر باشیم تا تحت رهبری حزب قرار گیریم و حزب از فعالیت ما اطلاع داشته باشد و ما را راهنمایی نماید.

در اول ماه مه، یاد عزیز جمال چراغ ویسی و تمامی جانباختگان راه رهایی طبقه کارگر را گرامی می داریم.

۶ اردیبهشت ۱۴۰۲